



موسسه فرهنگی و هنری سریع الرضا تقدیم میکند...

نام کتاب:

نون داغتو نشون گُشنه نره ! (جلد سوم)

× دلبهرهای چادری نما... ×

نویسنده: داداش رضا ❤️

فصل مقدمه : چادری های بی حجاب !

سلام خواهرای خوبم.

حالتون چطوره ؟

من داداش رضا هستم..

راستشو بخوای من یه آدمی ام که نمیتونم یه چیزی رو تو دلم نگه دارم.

فقط بدونید از دستتون خیلی دلخور و ناراحتم.

البته از دست شما که نه... بلکه از دست همجنس هاتون...

وگرنه شما که دخترای خوبی هستید...

ولی انصافا دیگه نمیخواستم جلد سوم کتاب نون داغتو نشون گشته نده رو بنویسم...

یعنی میخواستم این کتاب فقط دو جلد باشه....

ولی تو سفر هایی که به شهر های مختلف داشتم یه سری چیزا دیدم که خیلی ناراحتم کرد...

بخاطر همین گفتم یه جلد دیگه هم برای این کتاب بنویسم که بشه سه جلد.

ولی این دیگه جلد آخر این کتابه...

تو جلد اول این کتاب تموم تمرکز رو با حجاب کردن دخترای بی حجاب بود.

تو جلد دوم هم سعی کردم دعوت به حجاب برتر کنم... یعنی چادر...

ولی تو این جلد میخوام درمورد طرز پوشش درست چادر حرف بزنم...

چون متأسفانه خیلی ها چادری هستن... اما اصلا حجاب ندارن!

خیلی زشته بعضی دختر ها با پوشیدن چادر های لاکچری دل پسرای بد بخت رو آب میکنن...

اگه میخوای اینجوری چادر سرت کنی میخوام صد سال سیاه سر نکنی!

تعارف باهات ندارم آجی...

من اینجا به نمایندگی هزاران هزار پسر میخوام باهات حرف بزنم....

مطمئنم خیلی از پسر ها هم حرف منو تایید میکنن...

خیلی من تو این کتاب با شما دخترای چادری خیلی حرف دارم.

پس اگه چادری نیستی میتونی این کتاب رو نخونی...

چون مخاطب من نیستی...

این جلد سوم کتاب نون داغتو نشون گشته نده هستش و من میخوام فقط درمورد **طرز صحیح چادر پوشیدن** حرف بزنم!

خیلی از شما دخترا اصلا بلد نیستید حجاب چادر داشته باشید...

تو چادر سر کردن هم میخواید دلبری کنید...

میدونم خیلی هاتون با جلد اول و دوم این کتاب محجبه و چادری شدید...

به هر حال اخبارش به گوشم میرسه که چقدر اون دو جلد روی شما تاثیر گذار بود...

ولی من هدفم صرفا چادری کردن شما نبود!

من هدفم حجاب بود!

اینکه چادری باشی ولی حجاب نداشته باشی چه فایده!

من گفتم برو محجبه شو!

نه اینکه با چادر هم ست رنگی بزنی و دلبری کنی...

من این جلد رو نوشتم تا بهت بگم چادری نما نباشی...

من دوست دارم چادری محجبه باشی...

چادر و حجاب باید با هم باشه...

نباید از هم جدا باشه!

خیلی باهات حرف دارم...

اینایی که دارم میگم فعلا مقدمه حرفامه...

ولی بدون خیلی باهات حرف دارم...

من تو این جلد از کتاب اصلا با دخترای بی حجاب کاری ندارم....

من بیشتر با شما چادری ها کار دارم.

پس اگه چادری هستی و کسیو میشناسی که با چادر تیپ میزنه مدیونی اگه این کتاب رو دستش نرسونی.

شماها باید الگو باشید.

این مسخره بازیا چیه با چادر در میارید ...ها ؟

با چادر تیپ میزنی ؟

اصلا میدونی فلسفه حجاب چیه آبجی ؟

فلسفه حجاب اینه که کسی تورو نبینه...

ولی تو یه جوری روسری رنگی با کیف و کفش و ساق دست ست میکنی که ناخوداگاه نگاه هارو به سمت خودت

میکشونی...این الان شد حجاب ؟

نه واقعا این اسمش حجابیه ؟

چرا پسرای مذهبی رو تحریک میکنی ؟

چرا کاری میکنی یه پسر مذهبی چشمش بهت بخوره و محو بشه ؟

الان این حجابیه ؟

به نظرت خودت این حجابیه ؟

خواهش میکنم وجدانتو به کار بنداز...

من نمیدونم چرا چادری ها اینجوری شدن...

وقتی چادری هامون اینجوری باشن دیگه چه توقعی از بی حجابامون میشه داشت ؟

متاسفانه چادری هایی که لاکچری میگردن تو خود مشهد هم زیاد شده...

در صورتی که از مشهد و قم و شهر های اینجوری توقع نمیره چادری هاش لاکچری بگردن...

به هر حال تو این شهر ها باید الگویی باشی برای بقیه...

اما وقتی یه گناهی همه گیر میشه خود به خود عادی جلوه پیدا میکنه...

حجاب دخترهای قم هم دیگه وضعش مثل گذشته نیست...

هر چند.... نسبت به شهر های دیگه وضع حجابش بهتره...

ولی آخه چرا باید یکی با چادر شلوار کوتاه بپوشه یا...

من نمیفهمم...

خواهش میکنم اگه دارم چرتو پرت میکنم بیاید بزنید تو گوشم منو بیدارم کنید!

ولی خودتم میدونی که حرفام حقیقته...

فقط خواهشا شما دیگه نگید کور بشو نبین...

چون اگه قرار باشه شما چادری ها هم اینارو بگید دیگه باید فاتحه دین رو خوند...

چون یه چادری باید مذهبی باشه و کسی که مذهبییه صد در صد حق پذیره و به حرفات فکر میکنه.

باور کن یه خورده بشینی فکر کنی به حرفم میرسی...

من از رو دلسوزی دارم اینارو میگم...واقعا دوست ندارم کسی با چادر مادرم حضرت زهرا اینجوری رفتار کنه...

انصافا حضرت زهرا اینجوری بیرون میومد ؟

نه واقعا خودت بگو...

حضرت زهرا آرایش میکرد با چادر ؟

حضرت زهرا ساق دست رنگی میزد و بعد با کیفش ست میزد ؟

میبینی...

خیلی خنده داره...

خودتم میگی نه...

پس خواهشا با چادرم مادرم اینجوری بیرون نیا...چون هم من و هم تموم شهدا ناراحت میشیم...

تو وقتی چادر میپوشی باید عین مرواریدی باشی که توی صدفه...نه اینکه با چادرم بخوای تبرج کنی...

خواهش میکنم...خواهش میکنم منطقی فکر کن...اگه منطقی فکر کنی تو هم به حرفم میرسی...

من دختر نیستم...ولی اگه دختر بودم یه جوری چادر سر میکردم که واقعا توش جلب توجه نباشه...

فقط حیف که پسرم...

من تنها کاری که میتونم بکنم کنترل نگاهه...

توی سایت هم به پسر خیلی آموزش دادم که چجوری نگاهشونو کنترل کنن...

ولی میدونی درد من چیه ؟

درد من اینه که ما پسر حتی از دست شما دخترای چادری هم آرامش نداریم...

تا یه باد میزنه تموم چادرتون میره کنار و پاهاتون و تموم بدنتون معلوم میشه...

میدونی چیه...

ما پسر از دست شما دخترای چادری هم احساس امنیت نداریم...

ای کاش درکمون کنید...

باور کن ما پسرا خیلی مظلومیم...ای کاش پسر بودی میدونستی چقدر کنترل نگاه برامون سخته...

ولی دختری و نمیفهمی و درکی از جنس پسر نداری...

من شخصا اگه جلوی چشممو نگیرم تموم هر چی ساختم پر میشه...

بخاطر همینم هستش که از وقتی اومدم مشهد به هیچ عنوان بعضی جاهاشو نرفتم...

نه اینستاگرام دارم و نه واتس آپ و ایمو هیچی...

من فقط تلگرام دارم.

همین...

تو خونه هم که هستیم اصلا سر پنجره نمیرم...چون ممکنه پنجره همسایه باز باشه و دخترا سر لخت کنار پنجره

با بالکن بیان.

به شدت پرهیز چشمی دارم...

تاکید میکنم : به شدت!

اصلا فضولی نمیکنم پروفایل کسی رو ببینم.

تو اینترنت تموم زورمو میزنم که عکسی رو باز نکنم...چون اکثر سایت ها عکس دختر میذارن که کلیک کنی و

مطالبشونو بخونی...

واقعا این یه توهین بزرگ به دختر هستش که به قلقلک دادن شهوت پسرا میخوان فالو و ممبر جذب کنن...

هه...

تو خیابون که با فاطمه راه میرم عین نابیناها سرم پایینه و تموم زورمو میزنم که حتی تو خیابون هم سرمو بالا

نگیرم...

میدونم تعجب میکنید...ولی پرهیز چشمی من خیلی شدیدیه...خیلی...

سعی میکنم با آسفالت عشق بازی کنم...

میگم : ای جانم...چه آسفالت زیبایی...همش سبزه ها و گل های زیباست...

چه سنگ ریزه های نازی...

خلاصه با خودم حال میکنم...خخخ.

تموم زورمو میزنم که بدون هدف بیرون نرم.

خیلی پرهیز دارم سر اینکه هر صدایی شنیدم سرمو بالا نیارم.

سر این قضیه اصلا با خودم شوخی ندارم...

به خودم میگم رضا سرتو بالا نیار...

اصلا به خودم اجازه نمیدم حتی نیم متر جلوتر خودمو ببینم.

حتی اگه خیابون خالیه بازم به جلو نگاه نمیکنم.

بیشتر سعی میکنم با آسفالت حرف بزنم...یه جورایی با سنگ ریزه ها دوستم.

بعضی وقتا سرم گیج میره...

اینجور وقتا سرمو بالا میارم...ولی چشمامو میبندم...

از خیابونم کله میکنم و رد میشم...

چون خیلی وقتا اصلا نیازی نیست خیابون رو ببینی همین که صدایی نمیداد یعنی ماشین نیست پس از خیابون

رد میشم!

میدونم که ماشین بهم نمیزنه...چون خداوند با پرهیزکاران است.

به جاش نگاهم حفظ شده.

بعضی وقتا گردن درد میشم...

اینجور وقتا وایمیستم به آسمون نگاه میکنم و چشمامو میبندم.

اگه تشنم بشه نوشیدنی نی دار میخورم...نه نوشیدنی که بخواد سرمو بالا بگیرم.

آره آبجی...

من و خیلی از پسرای دیگه خیلی پرهیز داریم...

هیچ توجیهی برای دیدن نیست.

ولی شما چی ؟

آیا شما هم رعایت میکنید ؟

من وقتی نگاهم کنترل شدست صدای خدارو از درون بهتر میشنوم.

من آگهی تلویزیون رو نمیبینم...چون نگاه آدمو هرز میکنن با این تبلیغ ها...

اگه میبینید حرفام نفوذ داره بدون تو خلوت هام مراقبم گناه نکنم...

وقتی عمل میکنم احساس بهتری نسبت به خودم و خدای خودم دارم...

تموم زورمو میزنم که تو جبهه خودم پیروز و موفق باشم.



ولی آجی...

آیا تو هم تو جبهه خودت موفقی ؟

ما پسرا به هر جایی برسیم بخاطر کنترل نگاه هستش...

ولی شما باید کمکمون کنید...

چون اگه ما پسرا هرزه بشیم اونوقت چجوری فکر کنیم و تمرکز کنیم و به پیشرفت خودمون و کشورمون فکر

کنیم ؟

باور کن همه پسرا هرزه و لاشی نیستن...

خیلی از پسرا واقعا خوبن و میخوان سالم باشن...

البته اگه بعضی دخترا بذارن...

شاید بگی نبین...

اوکی باشه...

ولی چشم که میخوره!

باور کن وقتی چشم میخوره فکر یه پسر مشغول میشه... پسر نیستی بفهمی...

بخاطر همین درک نمیکنید...

ببین؟

هر پسری تو زندگیش هر بد بختی کشیده بخاطر کنترل نکردن نگاهش بوده...

امیدوارم با وضع پوششت هیچ پسری رو از راه بدر نکرده باشی...

آره...

با چادر هم میشه دلبری و بی حجابی کرد...

پس فکر نکن همینکه دو متر پارچه رو سرت گذاشتی الان خیلی با حجابی ... نه!

هرگز!

اتفاقا با چادر خیلی میشه بی حجابی کرد... باور کن راست میگم... حیف که نمیشه باز حرف بزنی وگرنه بهت ثابت

میکردم با چادر هم میشه خیلی بی حجابی کرد!

من حرفامو به عنوان یه پسر میزنم.

مطمئن هم هستم که خیلی از پسرا با نظر من موافق هستن.

ولی شما دخترا میدونید مشکلتون چیه؟

مشکلتون اینه که از نگاه خودتون حجاب خودتونو بررسی میکنید... نه از نگاه یه پسر...

بخاطر همین سر در نمیارید چرا نباید با چادر ست رنگی زد...

چون خودتون دخترید و هیچیتون نمیشه فکر میکنید پسرا هم هیچیشون نمیشه...

هه...

ببین؟

هیچوقت حجاب خودتو از نگاه یه دختر بررسی نکن... بلکه از نگاه یه پسر بررسی کن.

اینجوری بهتر به نتیجه میرسی..

میگم یه سوال...

تو به حضرت زهرا سلام الله علیها ارادت داری؟

قبول داری بهترین الگو برای شما دختر ها این بزرگوار هستن ؟

اصلا بذار سوالمو عوض کنم...

به نظرت امام زمان وقتی چادر مادرش حضرت زهرا رو میپوشی..دوست داره مدل چادر پوشیدنت

چجوری باشه ؟

بی خیال...

دنبال اثبات هیچی تو این کتاب نیستم...

فقط میخوام حرف دلمو بزنم...

همین...

پس فصل مقدمه رو به پایان میرسونم...

ولی به سوالی که پرسیدم فکر کن...

من برم...

فعلا خدا نگهدار...

پایان فصل مقدمه

کتاب :

نون داغتو نشون گشنه نده جلد ۳ (دلبهرهای چادری نما)

شروع فصل یک: خواستی چادر بخری چادر زیپی بگیر!

سلام خواهرای خوب و حق پذیرم.

خب...

رسیدیم به فصل یک...

تو این فصل میخوام کمی درمورد مدل چادر با شما حرف بزنم...

بین...

همون اول یه چیزی رو رک بگم...

لطفا اگه میخوای چادر بخری چادر ساده نخر. چون چادر ساده وقتی باد میزنه همه چیت معلوم میشه و حجاب

از بین میره.

حتما چادر زیپ دار بگیر.

از این جهت میگم چادر ساده نگیر که چادر ساده رو هر کاری بکنی بازم باد میزنه پاهات معلوم میشه.

ولی چادر زیپ دار اینجوری نیست.

اگر میخوای تبلیغ حجاب کنی این راهش نیست که با چادر آرایش کنی و ست رنگی بزنی...

اگه میخوای تبلیغ حجاب کنی اخلاقتو درست کن که از رو اخلاقت شیفته چادرت بشن.

لطفا چادر آستین دار بگیر.

چادر های صدفی خوبه.

به شرط اینکه زیپ دار باشه.

اگر خواستی چادر جلو باز بگیری حتما زیرش یه مانتوی خیلی بلند بپوش و شلوارتم تنگ نباشه که با یه باد

همه چیت معلوم بشه.

ولی توصیه میکنم زیپ دار بگیری.

به نظرم خیلی بهتره.

حالا با این فاکتوری که گفتم برو ببین چه چادری بهتره و همونو بگیر.

اگرم خواستی روسری بگیری به هیچ عنوان رنگ جیغ نگیر.

یه رنگ تیره بگیر.

ولی رنگی نه.

چون جلب توجه میکنه.

سمت روسری زرد و آبی و قرمز و بنفش و این رنگا نرو.

به جاش سمت روسری های رنگ تیره برو.

اینجوری بهتره .

هر چند ...بهترین رنگ همون مشکی هستش...

یعنی بهتره روسری مشکی باشه.

این یعنی حجاب برتر و بهتر و نمره بیستی !

کلا چادر سر میکنی باید با این باور سر کنی که من دلم نمیخواد کسی منو جز خدا ببینه.

اگه ذره ای فکرت به این سمت میره که کسی منو ببینه...این یعنی تو چادر سر کردن اخلاص نداری.

یه جورایی بدتم نمیداد پسرا تورو دختر مذهبی شیک و خوشگل ببینن!

ببین ؟

صرفا چادر سر کردن حجاب نیست.باید شلوارتم یه جوری باشه که پاهات دیده نشه.

نمیدونم فاز بعضی دخترا چیه... اما چادر می پوشن اما زیرش شلوار و کفشی می پوشن که جوراب و پاهاشون

معلوم میشه...

یا چادرشون عین مانتو جلو بازه...تا باد میزنه میره کنار و همه چیشون معلوم میشه...

انصافا بعضی چادر ها از مانتو جلو باز بدتره.

من که اصلا چادر ساده رو حجاب نمیدونم و به شما پیشنهاد نمیدم.

بهترین چادر همینایی هستش که فاطمه سرش میکنه.

اگه طوفانم بیاد این چادر تکون نمیخوره.چون جلوش زیپ داره.

در ضمن...

خواهشا وقتی چادر سر میکنید جوراب رنگی نپوشید.این مسخره بازیها چیه با چادر در میارن بعضی ها...

چادر سر کردن یعنی دلبری نکنی... ولی باز بعضی ها با چادر میبینی...

ولی فکر کنم با حرفایی که زدم به خودت اومدی...

باور کن اینارو مجبور بودم که بگم...

چون حرف دل خیلی از پسر است.

کسی که با چادر آرایش می‌کنه و ست رنگی میزنه و ... اینا هیچ فرقی با یه دختر بی‌حجاب ندارن.

چون جفتشون دنبال جلب توجهن.

حجاب باید فقط برای خدا باشه...

اصلا توصیه میکنم برای خدا چادر سر کنی... نه بخاطر اینکه پسری تورو نبینه... اینجوری بهتره.

واقعا خدا هدایت کنه هر دختری رو که زیر چادرش هیچی نمیپوشه و با یه باد پاهاش معلوم میشه و دل پسرارو میبره....

خدا هدایت کنه هر دختری رو که بی حجاب ولی وارد حرم که میشه چادر میپوشه ...

انگاری فقط امام رضا نامحرمه...

بعضی دخترا خودشونم نمیدونن دارن چکار میکنن...

یه جورایی ترکیبی میزنن انگار خخخ.

ببین..

یا چادر نپوش یا اگه میپوشی حرمت نگه دار. مدل چادر پوشیدن بعضی دخترا از فحش مادر بدتره...

من همیشه میگم مشکل بی حجابی از شما چادری هاست.

شما اگه درست چادر بپوشین اون بی حجابا هم حجابشونو درست میکنن.

باور کن من شمارو دوست دارم که دارم اینارو میگم...

این دوست داشتن من یه چیزی ماورای نگاه جنسیتی هستش...

من نگاهم به شما روحی هستش... روح شما از خداست و من روحتونو دوست دارم

بعضی دختر ها میگن : رضا؟

خب باشه...

ما ست رنگی نمیزنیم و روسری مشکی میپوشیم...

ولی بازم تو خیابون پسرا مارو نگاه میکنن...

آخه چرا ؟

جواب :

ببین؟

این نگاه پسرا وقتی محجبه هستی به چشم شهوت نیست... بلکه یه نوع تعجبیه ...

آخه الان انقدر بی حیاء زیاد شده که وقتی یه پسری تورو میبینه که با حجابی تو دلش تحسینت میکنه و میگه :

چقدر این دختر باحیاس...خدا خیرش بده.

پس اگه محجبه واقعی شدی و بازم تو خیابون پسری تورو دید بدون بخاطر این نکات میکنن...

ولی در کل تو حجابتو رعایت کن ...اگرم پسری واقعا ببینه دیگه گنااهش پای خودشه.

ولی اگه جلب توجه کنی و اون ببینه گنااهش پای تو هم هست... چون تبرج کردی...

اینو یادت نره.

یه چیزم بگم تو دلم مونده بود...

ببین...

اینکه میخوای خوش لباس باشی و شیک باشی و این چیزا خیلی عالیه...ولی اینارو نگه دار برای شوهرت.نه برای

پسرای بد بخت توی خیابون.

خیلی هاشون واقعا یه دختر چادری عین تو میخوان... ولی پول ندارن ازدواج کنن...یعنی دلت میاد جیگر شونو

با این سبک چادر پوشیدنت کباب کنی ؟ خدارو خوش میاد واسه یه پسر مذهبی خدا ترسه امام زمانی ...دلبری

کنی که دلش بلرزه و غصه بخوره که نمیتونه ازدواج کنه ؟ به حرفام فکر کن.....



این کارا کارما داره...

راستی قانون کارما که میدونی چیه...

قانون کارما می‌گه هر کاری کنی به خودت برمیگرده...

راستی ؟

این عکس هارو فاطمه برام پیدا میکنه و میفرسته.

حالا تو فصل بعد قراره برای شما خاطره چادری شدنش رو بگه.

ولی در کل اینارو دوستانه میگم.

ببین خواهرم...

وظیفه پسرا بدون شک کنترل نگاه هستش...

یعنی اگه دختری لختم از کنارشون رد بشه باید سرشون یه جوری پایین باشه که اصلا متوجه رد شدنش نشن که حالا بخوان نگاش کنن...

ولی خواهرم...

تو پسر نیستی بدونی چقدر سخته...

ببین...

خدا ما پسرارو یه جوری آفریده که دوست داریم نگاه کنیم...

شما خودتونم تو خیابون نگاهتون محو همجنستون میشه...دیگه چه توقعی از پسر داری...

هیچوقت یه پسر رو بخاطر این مدلی بودنش سرزنش نکن...وگرنه سرت میاد و ممکنه چشم چرون بشی یا مشکل شهوت پیدا کنی...

خود دانی.

اینارو میگم چون میخوام یه جوری چادر بپوشی که اون دنیا حضرت زهرا سلام الله علیها بهت افتخار کنه...

وگرنه قبول کن بین تو و یه دختر بی حجاب هیچ فرقی نیست...چون جفتون دارید تبرج میکنید.

خواهش میکنم اگه قراره اینجوری چادر سر کنی یه تجدید نظر بکن...

اگه میخوای چادر بگیری یه چادر بگیر که با حجاب باشه.

خواهش میکنم به حرفام گوش بده...

من خیر و صلاح تو میخوام...

تو مگه از وضع حجاب جامعه ناراحت نیستی ؟

خب خودتم که داری همون کارو میکنی...اما در قالب چادر....

ببین...

من خودم به عنوان یه پسر دارم رعایت میکنم...

وگرنه اینارو اصلا به شما نمیگفتم.

من به عنوان یه پسر دارم حجابمو رعایت میکنم... وگرنه کلا من مدلم اینجوریه که یه خورده لباس رنگی بپوشم

واقعا جلب توجه میکنم.چون بخوام شیک باشم واقعا خوشتیپ میشم.

البته همین الانشم خیلی خوشتیپم ولی انصافا اگه بخوام به خودم برسم خیلی دیگه رو چشمم.

ولی این رضایی که میبینی دیگه خیلی چیزارو گذاشته کنار. فقط نگاه خدا براش مهمه. برو لباس پوشیدن های قبل تحول منو با الانم مقایسه کن میفهمی چی دارم میگم.

پس این داداش رضایی که میبینید به حرفاش عمل میکنه...

پس نگید حجاب که فقط برای دخترا نیست...پسرا هم باید رعایت کنن...

من از طرف تموم پسرا میخوام بهت این تضمین رو بدم که خیلی از پسرا هم دارن مثل من رعایت میکنن که بی حجاب نباشن.

پس تو هم لطفا بی حجاب نباش با چادر...

بینی آبجی...

یه جمله معروف هست میگه آدما از چیزی که خریدن طرفداری میکنن...

بین...

من میدونم سخته چادر لاکچری نیوشی...

به هر حال یک میلیون پول دادی و چادر نگین دار خوشگل خریدی...

میدونم...

سخته اینهمه پول روسری و ساق دست و کفش های رنگی دادی و الان نخوای بیوشی...

میدونم سخته بذاریش کنار... .

شایدم مامانت دعوات میکنه اگه نیوشی...

یعنی میگه مگه مرض داشتی رفتی چادر خریدی که نیوشی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

آره...

میدونم سخته...

ولی بخاطر حضرت زهرا بذارش کنار...

مطمئن باش این کارت پیش حضرت زهرا گم نمیشه...

لجبازی نکن آبجی...

من اینارو از سر دلسوزی میگم.

خدا از ته ته اعماق وجود من با خبره.

خدا میدونه که رضا اینارو از سر دلسوزی میگه...

نمیخوام اذیتت کنم. نمیخوام ناراحتت کنم.

من تورو بخاطر حجابت تحسین میکنم.

آفرین.

ولی ای کاش حجابتو سفت و محکم تر کنی...

من افراط نمیکنم...

من فقط دارم از نگاه یه پسر حرف میزنم.

اینایی که میگم حرف دل خیلی از پسر است...

من و تو در یک چیزی مشترک هستیم...

اونم اینه که جفتمون عاشق حضرت زهرا هستیم...

آبجی...

یه سوال میپرسم...

خواهش میکنم چشمتو ببند و فکر کن...

به نظرت حضرت زهرا اگه همین الان زنده بود... این مدلی که تو چادر میپوشی چادر میپوشید؟

خواهش میکنم با صداقت جوابمو بده...

خیلی این سوال کمکت میکنه...

ببین آبجی...

تموم مراجع میگن حجابت نباید جوری باشه که جلب توجه کنی...

یه سوال... این چادر های نگینی و قاجاری و ... جلب توجه نمیکنه؟

آیا حضرت زهرا چادر قاجاری میپوشید که بالا تنش باز باشه؟

خواهش میکنم با صداقت جوابمو بده..

این سوال رو همیشه از خودت بپرس...



بگو حضرت زهرا اگه بود الان چجوری حجاب میکرد ... پس منم برم همونجوری حجاب کنم.
خواهرم...

تو داری به وصیت شهدا عمل میکنی....

من خودم شخصا عاشق شهدا هستم...

حتی یه اتاق رو کامل اختصاص دادم به شهدا...

منم اگه خدا توفیق بده قراره شهید بشم ان شاءالله...

ولی اگه یه روزی شهید شدم حرفمو یادت نره آجی...

که دوست دارم وصیت کنم و بگم ای آبجی ها...اگه از خیابون از کنار پسری رد شدید چادر تو سفت تر بگیر...
آبجی...

تو داری به وصیت نامه شهدا عمل میکنی...

تموم شهدا میگفتن پیروی از رهبری و حجاب...

نمیدونم راهیان نور رفتی یا نه...

ولی من توفیق داد و رفتم...

واقعا عالی بود....

ولی نکته جالب همین بود که وصیت همه شهدا دعوت به حجاب بود...

امیدوارم توفیق بشه بری راهیان نور تا خودت از نزدیک ببینی شهدا از شما دخترا چی خواستن...

ولی آیا شهدا ازت این مدلی حجاب میخواستن ؟

هوم ؟

آبجی...

تو یه مکان رو در نظر بگیر که تاریکه تاریکه...هیچی نداره...ولی یه کوچولو نور توی اون تاریکی هستش..به نظر

شما به اون نور جذب میشید یا نه ؟؟؟؟؟؟؟؟؟

باور کن ذره ای رنگ تو حجاب چادر جلب توجه میکنه...

حکم مراجع چی بود ؟

مراجع میگن جلب توجه مشکل داره...

من ازت میخوام حجاب تو حداکثری عمل کنی...

بدت نیاد از حرفام.

من درکت میکنم...

اتفاقا الان با فاطمه داشتم صحبت میکردم..

واقعا برای یه دختر سخته دیده نشه..

من درکت میکنم خواهر عزیزم...

باور کن من شاید دختر نباشم ولی روحیات و درون شما دختر هارو میدونم چجوریه...

دختر از جمال خداست....

بخاطر همین دوست داره دیده بشه...

من با تموم وجودم میفهمم که برای یه دختر سخته...

ولی قول میدم هر بار حرم رفتم براتون دعا کنم... نه تنها من... بلکه تموم پسرای مذهبی برات دعا میکنن...

آبجی...

خواهش میکنم چادر رو برای خوشگلش نگیر... بلکه چادر رو برای حجابش بگیر...

بین...

تو فکر کن تو یه جایی هستی که همش تاریکه...

خب...

اگه یه نقطه کوچیک نور ببینی جذب میشی...

مگه نه؟

حالا تو فکر کن چادر سیاه پوشیدی بعد روسری صورتی یا آبی یا قرمز سرت کردی...

خب معلومه همه جذب میشن به طرف روسریت یا ساق دستت...

میگیری چی میگم؟

بین؟

اگه یه دختری با چادر مشکی ست رنگی بپوشه، انقده خوشگل و رنگارنگ و جذاب دیده میشه که حتی یه دختر

دوست داره زوم کنه روش نگاش کنه، چه برسه به یه پسر....

یهو میبینی پسره تو دلش میگه به به عجب رنگارنگ و خوشگل...و...

بین... خواهش میکنم موقع خرید چادر دقت کن...

چادر ساده و قاجاری جزو بی حجاب ترین چادر ها حساب میشه . من اینارو برای خودت میگم خواهر.

البته چادر جده و ساده به شرطی که زیرش یه مانتو بلند بپوشی و شلوارتم تنگ نباشه مشکلی نیست...

ولی یه جوری باز مانتو نپوش که رنگی باشه که مثلا بخوای چادر جده بپوشی و یه چیز رنگی زیرش بپوشی.

چادر جده هم خوبه... به شرطی که بلد باشی جمعش کنی...

بین... بذار رک باهات حرف بزنم... خیلی از دخترا اصلا بلد نیستن چادر جمع کنن...

قبول داری؟

یعنی چادر جده پوشیده ولی میبینی جلوش رو با دستاش نمیبند و هی چادرش با یه باد ساده میره کنار...
خب آجی ؟

این که شد همون مانتو جلو باز که!

به همون اندازه که چادر سر کردن مهمه به همون اندازه هم جمع کردن چادر با دست مهمه...

اگه میگم زیپ دار بگیر بخاطر همین که نخوای دو ساعت هی چادرتو با دست جمع کنی...
اینارو از سر دلسوزی میگم...

واقعا نمیخوام باعث گناه کسی و خودت بشی...

من وظیفم فقط گفته...اینکه میخوای گوش بدی یا ندی دست من نیست.

من به پسرا هم خیلی گفتم کنترل نگاه داشته باشن...

کتاب تیر زهر آلود شیطان رو برای همین نوشتم که بگم ای داداشی ها به دخترا تو خیابون نگاه نکنید...

ولی به همون اندازه هم به دخترا میگم درست حجاب داشته باشید...

ولی بازم انتخاب با خودته.

ولی اینو یادت نره..

ولی اگه خواستی چادر بگیری مواظب باش...

چادر قاجاری برای بچه شیر دادن خوبه...نه برای دختر مجرد....

امیدوارم فهمیده باشی منظورمو...

خیلی از این چادر ها کلنا اصلا چادر نیست که. الکی اسمش چادره...حجاب نیست کهالکی اسمش حجاب...

آجی...

همیشه از نگاه یه پسر حجاب رو بررسی کن نه از نگاه یه دختر.

میدونم سخته رنگی نپوشی بیای بیرون...به هر حال دختری و واقعا مبارزه با نفس سخته...

ولی به این فکر کن که خدا یه شوهر چشم پاک بهت بده...

به این فکر کن که شوهرت تو خیابون همیشه چشماش کنترل شده هستش...

آره...

خدا جبران میکنه آجی ...



باور کن خودت با خودت صادق باشی و به خودت راست بگی خودت میفهمی نیتت از پوشیدن این نوع چادر و حجاب چیه...

صرفا نیازی نیست همه چیو من بگم... خودت اگه با خودت صادق باشی همه چی حله...

همیشه حجاب رو از نگاه یه پسر بررسی کن نه از نگاه یه دختر...

خدا پسرارو جوری آفریده که با چشم جذب میشن...

هیچوقت نذار جامعه بهت بگه چی بپوشی... ببین حضرت زهرا س با چه پوششی ازت راضی میشه.

جامعه و تلویزیون ممکنه بگه چادر با ست رنگی و جذاب اشکالی نداره... ولی آیا این درسته ؟

ببین...

اگه میخوای برای حجاب تبلیغ کنی این دلیل نمیشه بری با چادر ست رنگی کیف و کفش و شال بزنی که مثلا با

اینکار دخترهارو به حجاب دعوت کنی..

این مدل دعوت به حجاب به درد خودت میخوره.

اگه دختری میخواد اینجوری با حجاب بشه صد سال سیاه نمیخواد با این چیزا با حجاب بشه.

دختری که با چادر اینجوری عکس میگیره میذاره اینستا چه فرقی با اون دختر بی حجابی داره که برای لایک

جمع کردن اونجوری درست میکنه خودشو...

تو هم داری با چادر تو اینستا خودنمایی میکنی...

با خودت صادق باشی میفهمی که حرفام حقیقه.

ببین...

من تو بهترین برنامه برای تبلیغ به حجاب حضور داشتم..

تو گوگل بزنی داداش رضا و لاک جیغ تا خدا میاد.

به نظر من بهترین راه تبلیغ حجاب درست کردن برنامه هایی مثل همینه...

نه اینکه یه دختری بره اینجوری با چادر تیپ بزنه...

خب این الان شد تبلیغ حجاب ؟

تو که آبروی چادر رو بردی که...

حجاب مسخره بازی نیست...

اصلا یه پیشنهاد...

لطفا نمیخواد کسی رو با حجاب کنی.

دختری که میخواد واسه رنگین کمون بودن با حجاب بشه همون بهتر که نشه.

خودتم عذر بد تر از گناه نیار...

نگو این شال رنگی و این کفش و ست رنگیم جلب توجه نمیکنه.

لطفا با چادر مادرم حضرت زهرا این کارارو نکن.

همیشه حجاب رو از نگاه یه پسر بررسی کن ...نه از نگاه خودت که دختری!

در ضمن...یه چیزی هم درمورد دخترایی که با چادر این مدل عکسارو میگیرن بگم...

ببین...

خیلی از این دخترایی که تو اینستا با چادر عکس میذارن اصلا چادری نیستن.

فقط عکس میذارن که تبلیغ بگیرن در آمد کسب کنن...

همین .

وگرنه اصلا نمیدونن حجاب چیه....

تازه بعضی دخترا با حجاب نانا تر میشن...بخاطر همین سمت حجاب میرن...وگرنه اگه با حجاب زشت میشدن اصلا سمت حجاب نمیرفتن.... ولی در کل خیلی از این دخترا تو اینستا صرفا از چادر استفاده ی ابزاری میکنن واسه تبلیغ مزون ها و فروش محصولاتشون.

اونایی هم که چادری هستن ولی تو اینستا دلبری میکنن بیشتر تو جو این تبرج قرار گرفتن و فکر میکنن چون چادر میپوشن میتونن عکسشون رو پخش کنن!

قبل تر ها با حجاب ها می گفتن خدا نکنه عکسم بیفته دست کسی...

ولی متاسفانه داره عادی سازی میشه...

یه داستان واقعی هست ...میگم بهش فکر کن...باشه ؟

میگن یبار یه زن و شوهری سوار تاکسی میشن.راننده تاکسی به مرده میگه،آقا به خانومتون بگین مدل شالش رو عوض

کنه...من از خانومی که با چادر شال آبی میزنه خوشم نمیاد..مرده برمیگرده یقه ی راننده تاکسی رو میگیره چتتا فحش

تشارش میکنه ،میگه چرا به ناموس مردم نگاه میکنی،رنگ شال خانوم من بتو چه ربطی داره..راننده میگه اگه بمن ربطی

نداره،پس برا کی پوشیده و ست کرده...خب اگه برا شما بود تو خونه این کارو میکرد..

بعد مرده سرشو میذاره پایین و سکوت میکنه...

خب... همین برای فصل یک کافیه... به نظرم به اندازه کافی توضیح دادم.... به حرفایی که زدم فکر کن...

تو فصل بعدی فاطمه جان میخواد خاطره چادری شدن خودشو تعریف کنه♡

منم مثل شما میخوام کامل از زبون خودش بشنوم چجوری حجاب چادر رو انتخاب کرد.

پس مثل من منتظر باشید... من برم. یا زهرا سلام الله علیها..

پایان فصل اول

کتاب :

نون داغتو نشون گشته نده جلد ۳ (دلبرهای چادری نما)

شروع فصل دو: خاطره چادری شدن آجی فاطمه...

سلام بچه ها خوبید؟؟

راستش امروز با دیدن حرفای رضا جان یهو یاد اولین سفر اربعینم افتادم که مجردی با دوستانم به اجازه پدر و مادرم با یک کاروان رفتیم کربلا...

و یادم اومد که کلا از زمان تحول و چادری شدنم تا رفتن به کربلا فقط یک سال گذشت. تا قبلش مانتویی بودم.

امروز رضا جان بهم پیشنهاد کرد در مورد حجاب با شما دوستای گلم صحبت کنم.

خیلیاتون فکر میکنید که من از اول چادری بودم و قبلا کاملا ادم مذهبی بودم.

ولی چن تا از دوستای قبل تحولم تو کانال و سایت هستن و پیام منو میخونن و یادشون میاد که فاطمه سال ۹۶ با فاطمه سال ۹۹ از زمین تا آسمون فرق میکنه.

و کاملا تغییر منو شاهد بودن که صرفا من فقط چادری نشدم...بلکه کلا رفتارم تغییر کرد. یعنی اون باری که چادر روی دوش من گذاشت من نتونستم دیگ با همون باطن باشم.

شاید خیلیاتون بخواید بدونید که من قبل تحولم چجوری بودمو و چیشد دقیقا که من چادری شدم.

ولی راستش اصلا مرور گذشته به من حس خوب نمیده و در همین حد بدونید که من به یه نقطه از زندگی رسیده بودم که کلا پوچ پوچ شده بودم.

من خیلیم بد نبودم.

ولی یه مسئله ای باعث شد که از اون زندگی خسته بشم و واقعا هم خدا رو شکر میکنم... که بعدش فهمیدم اون بلا نبود بلکه خیر بود.

اصن انگار خدا میخواست من فقط با خودش اروم بشم .

خیلییی قشنگ و ساده برام مسیرو باز کرد.

خیلی دومینو وار همه چیو برام ساخت

تا یمدت اصن هنگ بودم.

آدمایی سر راه من قرار داد که دقیقا همون چیزو میگفتن که من لازم بود بشنوم.

کمک هایی بهم میکردن که من نیاز داشتم

میدونی دقیقا کجا بود که فهمیدم خدا منو بخشیده؟؟

از همین مسیری که برام باز کرد.

از همون آدمایی که سر راه من قرار داد

انقد مسیر خدا برام آرامش و حس خوب داشت که دیگ نتونستم اون زندگی قبلو انتخاب کنم و ادامه بدم.

درسته بعضی جاها خسته میشدم.

اونم خسته از تمسخر و شنیدن تیکه و کنایه اطرافیان

ولی بازم مقاومت میکردم.

فک نکنم دختری تا حالا باشه که از اطرافیانش طعنه نشنیده باشه... مخصوصا ایاااا بیشتر دخترایی که مانتویی ان و بعد چادری میشن...

خیلی مقاومت میخواد.

واقعا الکی نیست.

واسه ی یک دختر خیلی سخته دلبری نکردن

خیلی سختم بود تو خیابون مراقب رفتارم باشم.

بلند نخندم. خیلی جاها که دوس دارم رو نرم چون در شخصیت یه دختر چادری نبود.

ولی من میتونستم مانتویی باشم و ذره ای این سختی هارو نکشم.

اما میدونستم که هر چیزی بهائی داره.

من خودم چادرو با عشق انتخاب کردم.

و به مرور زمان اون سختی ها برام تبدیل به لذت شد.

اگه از طرف فامیل یا دوست و آشنا مسخره میشدم میرفتم یه گوشه و با حضرت فاطمه صحبت میکردم.

یادمه دوستم گف اسمشو صدا بزن مادر

چون مادر هممونه.

منم میرفتم میشستم و باهاش حرف میزدمو گریه میکردم.

میگفتم اگه این چادر بده...خوب نیس...نشونه ی اُمّیه...چرا پس شمایی که انقد پیش خدا عزیزین و نور خدایین همچین

پوششی داشتین. خیلی عاشق حضرت فاطمه شده بودم

چون ازش کتاب زیاد میخوندم. اصن یه مهر عجیبی تو دلم انداخته بود.

شاید اگه عاشقش نمیشدم هیچوقت عاشق چادرم نمیشدم

ممکن بود هفته اول سرم کنم بعد بذارم کنار و با خودم بگم:

دلت پاک باشه بابا.



اگه این عشق در من وجود نداشت واقعا خسته میشدم.

چون اون سختی که تو گرما میکشیدم عصیم میکرد.

میگفتم خب که چی؟ خب چشماشونو ببند...من چرا باید عذاب بکشم...چرا انقد دستو پا گیرمه...میخوام ازاد باشم.

ولی اخیه مگه ادم عاشق دلش میاد معشوقشو ناراحت کنه؟

یه چیزی بگم؟

راستشو بخوای من اولِ اولِ دنبال شناخت خدا نرفتم. اول رفتم دنبال اینکه:

این کارا و رفتار غلط من چه آسیب هایی به من میزنه؟!

و اینکه اگه من این کارارو بذارم کنار به آرامش میرسم؟؟

اگه خوب باشم چی بدست میارم چی از دست میدم.

اول هم از شهدا شروع کردم...بعد رسیدم به اهل بیت و بعد در نهایت به خدا

انقد اولیای خدا منو مجذوب خودشون کرده بودن که به این رسیدم:

وای...

اینا که اینجوری ان...

خالق اینا پس چقد میتونه خوب و مهربون و آرامش بخش و همه چی تموم باشه.

اینا که بنده اونن...

خودش پس چقد میتونه خوب باشه؟؟

روزی اول کتابخونه اقام پر از کتاب شهدا شده بود.

میخوندم و میگفتم خدایا...مگه میشه آدم اینجوری زندگی کنه

میگفتم مثلا این شهید با این تیپ و قیافه و شهرت و پول میتونست خیلی خوشگذرونی ها کنه.

خدایا...اینا چی دیدن که اینجوری شدن و من نمیبینم و نمیتونم دست بکشم از مادیات دنیا.

زندگی نامه هاشونو میخوندم و باهاشون زندگی میکردم.

وای...

چقد حس خوب پیدا کرده بودم...اصن انگار رو ابرا بودم.

میدیدم بیشترشون به حجاب فاطمی سفارش کردن...بیشترشون رابطه عاشقانه با امام حسین و حضرت مادر و... داشتن.

خیلی درگیر شهدا و اهل بیت شده بودم...انگار گمشده مو پیدا کرده بودم... دیگ طعنه ها برام اهمیت نداشت... تازه؟

کلی هم کیف میکردم...

با خودم میگفتم بیشتر بهم طعنه بزنید...اینجوری ارج و قربم پیش مادر و خدا خیلی بالا میره.

خدا اینارو میفرسته سمتم که ببینه تو راهش سست میشم یا نه.

میخواه امتحانم کنه ببینه درسو خوب پاس میکنم یا نه...

دیگ واقعا به جایی رسیده بودم که براشون دعای خیر هم میکردم.

میگفتم خدایا اینا نمیدونن تو چه چیز با ارزشی هستی...نمیدونن اگه به گفته های تو عمل کنیم اول از همه به نفع خودمونه.

خدایا کمکشون کن.

یا عده ای هم بودن که حق پذیر بودن و دیدن که من چقد عوض شدم و حال خوب دارم خودشون اومدن گفتن دیگ

بریدیم...

بیا برامون حرف بزن.

منم از خدا خواستم کمکم کنه تا کمکشون کنم.

میدونی حرف بیشتریاشون چی بود؟

این بود که بعد از کلی طعنه و کنایه میگفتن هه یماه بعدم میبینمت...

یا میگفتن همه یه دوره ای از سن جو میگیرتشون یا به طرز مسخره ای میگفتن ان شاءالله تا اخر ثابت قدم باشی خسته نشی.

اما من ول کن نبودم.

همنشینی با خدا و آدمای خوبش منو از همنشینی با شیطان بیزار کرده بود.

دوستایی که منو از خدا دورم میکرد رو گذاشتم کنار.

اگه با دوست قبل تحولم میرفتم بیرون باز میشدم همون فاطمه قبلی با همون روحیات

اعصابم خورد میشد باز پرخاشگر میشدم حس خوب تو نمازم نداشتم.

بعد فهمیدم که باید بذارمشون کنار چون دوست خوب نا خودآگاه خیلی روی آدم تاثیر میذاره.

درسته از بعد تحولم خیلی دوستای خوب پیدا کردم ولی با کنار گذاشتن دوستای بدم دوستای خوبم چن برابر شد.

اصن هر جا میرفتم باهام صمیمی میشدن و دوس داشتن باهام ارتباط برقرار کنن...میگفتن تو خیلی دوس داشتنی هستی

دلمون میخواد بیشتر باهات ارتباط داشته باشیم.

بنظرم این حس دوس داشتنی که تو دل اونا ایجاد میشد بخاطر این بود که از همنشین بد دوری کردم.

خدا هم برام پُرش کرد.

خداروشکر خیلی دوستای خوبی دارم.

خیلی جاها کمکم کردن

مخصوصا اون اوایل

ازشون مشورت و اطلاعات میگرفتم

مثلا میگفتم شماها که خیلی وقته چادری هستین چه چادری راحت و پوشیده تره اونام راهنماییم میکردن...

یه چادر جده داشتم که قبلنا وقتی سالی یبار میرفتیم حرم سرم میکردم برای شروع خوب بود ولی جلوش باز بود و به

مامانم گفتم دکمه بزنه برام تا جلوش بسته شه

بعد چادر لبنانی و بیروتی و در حال حاضر هم لبنانی صدفی دارم.

این آخیره از بقیه راحتتره هم قشنگه هم کاملاً پوشیده

ولی تا حالا چادر ساده نپوشیدم.

دوست خوب باعث شد من وارد کانونی بشم و از اونجا برای اولین بار پیاده اربعین برم کربلا

درست بعد یکسال...

کربلا رفتن من اصلاً باور کردنی نبود

۳ تا مشکل خیلی بزرگ بود که من داشتم

به طرز خیلی معجزه آسایی همه چی جور شد

اینکه میگم معجزه واقعاااا معجزه بود.

چون پدرم به هییییچ وجه اجازه نمیدادن

من تا حالا حتی راهیان نور که داخل کشور خودمون هم بود نرفته بودم چون اجازه نمیدادن اما کربلا...

دوس دارم براتون تعریف کنم :

وقتی که بهم از طرف کانون زنگ زدن و گفتن اسمتون در اومده با مدارک تا ساعت فلان خودتونو برسونید به فلان مسجد

من فقط گریه میکردم...چون هم پول نداشتم هم بابام اجازه نمیداد زنگ زدم به آبجی بزرگمو با گریه گفتم آبجی چیکار کنم

بابا اجازه نمیده گف گوشو بده بهش من راضیش میکنم.

باورتون همیشه دو دقیقه ای راضی شد بعدم گف برو دخترم برای منم خیلی دعا کن.

گوشتو گرفتم گفتم آبجی پول ندارم اونو چیکا کنم گف من قرعه کشی تازه به اسمم در اومده میدمش به تو ... هر وقت

داشتی ذره ذره بده 😊

واقعا خواهرم و شوهرش خیلییی کمکم کردن

هم اوایل که تازه چادری شده بودم تشویقم میکردن هم تو قضیه کربلا.

خیر و برکتی بود که از هر طرف بهم میرسید

همه باهام خوب شده بودن.

مهربون بودن.

بعد از کربلا اوناییکه مسخرم میکردن دیگ باورشون شده بود که انتخاب من از روی جو زدگی نیس.

اما این تموم ماجرا نبود.

چن ماه بعد کربلا رفتنم با رضا جان آشنا شدم که وقتی فهمیدم اونم همزمان با من پیاده روی اربعین بوده تا یمدت هنگ

بودم.

نمیدونم...شایدیم تو پیاده روی از کنار هم رد شده باشیم.

رضا واقعا شوهر خوبیه. تو زندگی سخت کوشی هاشو دیدم. از اینکه پر تلاشه خوشم میاد. با تموم وجودش برام زحمت

میکشه. فقط خدارو میبینه و خیلی وقتا بخاطر خدا از خطاهام میگذره.

بعضی وقتا واقعا شرمنده خدا میشم

ازدواجم همونی بود که میخواستم میخواستم کسیو به عنوان همسر انتخاب کنم که از لحاظ معنوی روز به روز با هم رشد

کنیم... به هم کمک کنیم... تو زندگی از همدیگه درس بگیریم

خداروشکر اتفاق افتاد. رضا خیلی برای با خدا شدن حریصه. اینو از تلاش هاش تو زندگی میفهمم.

الان هم واقعا دغدغمون جز خودسازی و رشد معنوی چیز دیگه ای نیس.

نمازامونو باهم میخونیم...کتاب زیاد میخریم و میخونیم و همیشه تلاشمونو میکنیم تا برای هم همسر نمونه ای باشیم.

همه ی این اتفاقات خوب رو نتیجه ی چادری شدنم میدونم.

میتونستم با حجاب کامل به خودسازیم ادامه بدم و محجبه باشم ولی بدون چادر.

اما یاد گرفتم اگه اون کار خوبی که خیلی سختته رو انجام بدی اونموقعس که کار بزرگی کردی و خیر و برکت اونجاست

که به سمت سرازیر میشه.

و هیچوقت به کم راضی نبودم

اتفاقای خوب خدا هنوزم برام ادامه داره و خواهد داشت

بزرگتریناشم فرزند صالح

و در نهایت ختم به شهادت

ان شاءالله

آبجی فاطمه ﴿﴾ ♡

پایان فصل دوم

کتاب :

نون داغتو نشون گشنه نده جلد ۳ (دربره‌های چادری نما)

شروع فصل سه: صحبتی با داداشی های گلم

سلام داداش های گلم.

این فصل مخصوص شماست...

میخوام با شما پسر حرف بزنم...

راستشو بخوای یکی از بچه ها گفت شیراز کمی سخت تره بخوای مراقب چشمات باشی ...چون فضاش یکم فرق کرده.

منم بهش گفتم این چیزا ربطی به شهر نداره.

الان همه دخترا حتی تو روستاهاش هم بی حجاب و چادر لاکچری شدن.

دیگه واقعا تو همه شهر ها دختر بی حجاب هست.

پس داداش گلم ...زیاد فکر نکن فقط شهر شما اینجوریه...

ولی اگه واقعا حس می کنی شرایط سخت شده برای نجات خودت هجرت کن یه شهر دیگه.

ببین ؟

اون کاری پیش خدا اجرش بیشتره که سخت تر باشه.

ولی اگه واقعا لغزش هات زیاده توصیه میکنم هجرت کنی...

ولی در کل همه جا دختر بی حجاب هست داداش.

ببین داداش...

متأسفانه دشمن خیلی خوب ضربه زده به خیلی از چیزا...

حتی این بی حجابی به بعضی از جاهای قم هم رسیده...

پس فکر نکن بقیه شهر ها خوبه و فقط یه شهر خاص وضع بی حجابیش بده...

نه... همه جا همینه...

تو قم هم دختر چادر لاکچری کم ندیدم.

حتی دیدم با چادر شلوار کوتاه میپوشن و موهاشون بیرونه...

خلاصه داداش...

من و تو به عنوان یه پسر وظیفه داریم که حتی تو تگراس هم سرمون پایین باشه.

پس غرغر نکن.

به جاش سرتو بذار پایین.

هیچ دلیل و توجیهی هم برای نگاه کردن نیست.

نمیشه کل جهان رو تغییر داد...ولی خودمونو میتونیم تغییر بدیم...

بین داداش...

بذار رک بگم...

اگه یه دختر بی حجاب یا چادر لاکچری تو خیابون دیدی...مقصر اون نیست.

تو مقصری که دیدیش...

بین...

شاید این حرف من درست نباشه...ولی تو بگو مقصر خودتی تا دنبال تغییر خودت باشی.

چون نمیشه دخترهارو تغییر داد...ولی خودمونو میتونیم تغییر بدیم.

یه جوری کنترل نگاه داشته باش که اگه حتی یه دختر لخت هم از کنارت رد شد تو متوجه نشده باشی.

میدونم...

به هر حال هر چقدر هم مراقب باشی بازم چشمت میخوره.

ولی خودتو بزن به کور بودن..

با خدا معامله کن....

بخاطر سلامتی تمرکز خودت نگاه نکن.

بعضی دختر های چادری از شیطان بدترن.نگاه نکن چادر داره...

باور کن تو محیط مجازی با همه چت میکنه و با همه رل میزنه.

پس فکر نکن هر کی چادر سر میکنه علیه السلام هستش.نه...بعضی ها آبروی چادر و حجاب رو میبرن.اینا

انگاری قساوت قلب گرفتن ..چون دارن آبروی حضرت زهرا رو میبرن...

وظیفه منو تو فقط کنترل چشم هستش.

میدونم سخته ..

من خودم پسر و خیلی هم نسبت به شما از بعضی لحاظ بدترم...

ولی اینجور موقع هابه برکت هاش فکر میکنم...

به این فکر میکنم که چقدر توفیقات زندگیم زیاد میشه...

تو هم به این فکر کن که چقدر با نگاه نکردن پیش خدا عزیز میشی....



ببین داداش ؟

اگه زرنگ باشی میتونی از تهدید فرصت بسازی.

اونجایی که کنترل نگاه ساده تر هستش برو...

ولی جایی که خیلی خیلی بی حجاب زیاده نرو...

از دخترای بی حجاب فاصله بگیر ولی از چادری های لاکچری فاصلت بیشتر باشه... چون اینا خطرناکترن.

این تقوات از چشم خدا پنهنون نیمونه....

داداش گلم؟

برای آرامش خودت ارزش قائل باش.

برای دخترای بی حجاب شهرتون در خلوت دعا کن.

هرگز آه نکش و نفرین نکن.

تو باید دلسوز همه دخترای جهان به خصوص ایران باشی داداش گلم.

بی حجابی دیگه متاسفانه الان همه جا هست...

برای همه دعا کن.

دلسوز باش.... مهربون باش.

برای پسرای شهرتون هم دعا کن که بتونن موفق باشن تا خدایی نکرده چشمашون هرز نشه.

برای دخترای با حجاب شهرتون حتما دعا کن .

بگو خدا خیرتون بده....

اینجوری خیر و برکت به سمت شهرتون سرازیر میشه.

برای دخترای با حجاب شهرتون همیشه و مدام دعای عاقبت به خیری کن.

دعا کن همه حجابشون درست بشه.

هیچوقت دختری رو تو دلت بخاطر بی حجابیش فحش نده...

اخم نکن.

اتفاقا براشون مدام دعا کن.

چون اون دختر جهل داره .

هر چادری لزوما با حجاب نیست !

بگو خدایا...این دختر رو آگاهش کن....

هیچوقت به نقاشی خدا بد نگو.

خدای تو خدای اونم هست.

پس براش دعا کن تا خدا دستشو بگیره و بیارش تو مسیر درست.

همیشه خیرخواه همه باش...

حتی دشمنات.

قدر خودتو بدون داداش.

اگه جایی کنترل نگاه سخت بود فرار کن.

هیچوقت خدا و اهل بیت رو فراموش نکن.

آرامشت رو ارزون نفروش داداش گلم.

همه دخترهارو بچه های خدا بدون...

حتی اونایی که چادری نما هستن...

یه همچین نگاهی داشته باش به همه دخترای جهان تا به چشم بد نگاشون نکنی.

اون دختر چادری نما هم شب اول قبر داره...اون دختر هم روز قیامت حضرت زهرا رو میبینه ...اون دختر هم

بخاطر بی عفتیش با چادر بازخواست میشه...

اگه اینارو نمیدونه چون جهل داره...چون نمیدونه داره چکار میکنه... نمیدونه آرامش خیلی از پسرارو با این نوع

چادرش میگیره ... نمیدونه کارمای رفتارش به زندگیش برمیگرده...نمیدونه این کشور با شورای دیگه فرق داره و

این کشور امام زمان هستش...

پس دعا کن تا قبل اینکه دیر بشه این دختر آگاه بشه و خودشو خوب کنه...آفرین داداش مهربون و دلسوز من.

ولی خودمونیم...

چقدر بد هستش یه دختر چادری پیش همه خیلی مذهبی خودشو نشون بده و بهش بگن التماس دعا...

ولی فقط خودش بدونه چه دختر شیطان صفتی هستش و تو خلوت هاش چکار میکنه...

آره...

همه مدام بهش میگن چه دختر با حیائی ...ولی خودش که می‌دونه فقط تو پی وی خواجه شیراز نرفته....

آره داداش... اینایی که با چادر اینجوری تیپ میزنن خیلی هاشون این مدلی ان...

ببین ؟

از کوره همان برون تراود که در اوست.

داداش ؟

باورت میشه ؟

بعضی دخترای چادری اینجوری فکر میکنن که خیر رو کسی جز خدا رقم میزنه...

داداش ؟

واقعا باورت میشه اینجوری فکر میکنن ؟

بخاطر همینه خوشبختی رو دست کسی میدونن...نه دست خدا...

شاید بخاطر همینه به خواسته هاشون نمیرسن....

داداش ؟

باور کن هر دفتری که صرفا چادری باشه با ایمان نیست.

یه وقت گول نخوریا.

خیلی هاشون اگه چادر سر نکنن باباشون اونارو با کمر بند میزنه.

یا ممکنه آبروشون تو فامیل بره.

بخاطر همین از سر ترس چادر سر میکنه.

داداش ؟

ویژگی اصلی یه دختر چادری اینه که با ایمانه و از هیچکس و هیچ چیز جز خدا حساب نمیره و یه آدم نترس و شجاعه.

اگه دیدی یه دختری چادری هستش و تنبله بدون اینا فقط دارن آبروی چادر رو میبرن....

داداش ؟ خیلی از این دخترای چادری اصلا تو چادر سر کردن خودشون اخلاص ندارن...

باور کن اگه چند تا پسر بهش بگن چادر بهت نمیداد سریع چادرشونو میذارن کنار... آره..



یه سوال...
واقعا هدف از چادر
پوشیدن چیه ؟

اینا بیشتر واسه این چادر سر میکنن که صورتشون گرد هستش و انصافا با چادر ناناژ میشن.

بخاطر همین چادر سر میکنن داداش!

گول نخوری یه وقت!

وقتی میخوان برن چادر بخرن نمیگن چه چادری بخرم که با حجاب باشه... بلکه میگن چه چادری بخرم که

جذاب تر بشم... میبینی داداش ؟

میخواه چادر سر کنه که جذاب بشه...

هه! آره داداش...

اینجوریه داستان ...

اینارو گفتم چون پسری...

ما پسرا حرف همو بهتر میفهمیم برار.

راستی داداش ؟

دیدي بعضی از این دخترای چادری تو مهمونی که میری چقدر چادر های خوشگل و جذاب میپوشن ؟

خودشونو جیگر طلا میکنن...

خیر سرشون مثلا حجاب سرشون کردن...ولی همچین چادر های گلگلی و خوشگل تنشون میکنن که واقعا آدم

میمونه چی بگه...

ولی داداش..

همه اینجوری نیستن...

من خونه بعضی ها که رفتم قشنگ دیدم که اون دختر یا اون خانوم یه چادر خیلی ساده و بسته پوشیده بود و

اصلا رنگ جیغ نداشت...

چادرش مشکی هم نبودا...ولی جوری نبود که آدم بره تو نخش....

میگیری چی میگم دیگه...

خلاصه میخوام بگم بد و خوب همه جا هست داداش...

ما پسرا واقعا تو این آخر زمون خیلی باید مراقب باشیم...

ببین داداشی...

من معتقدم دخترهایی که با چادر این کارهارو میکنن خیلی تو زندگی کم روزی ان...

روزی هم که فقط پول نیست داداشم..

روزی میتونه این باشه که شبت آروم باشه و با لبخند بخوابی...

روزی میتونه این باشه که خدا دل بقیه رو برات نرم میکنه...

روزی میتونه این باشه که یه سری اتفاقات بد ازت دور میشه...

روزی میتونه این باشه که آدما ناخوداگاه دوست دارن...

روزی میتونه یه شوهر خوب و صالح باشه...

میبینی...

روزی ایناست...

البته روزی پسر دختر نداره...

تو هم اگه میخوای روزی و توفیق و برکت زندگیت زیاد بشه و خدا اساسی بهت حال بده... خیلی

مراقب خودت باش داداش...

چشماتو کنترل کن.

اگه کج بری یهو میبینی برکت و خوشمزگی زندگیت از بین میره ها...

چون خدا خیلی واکنش گراست...

ممکنه یهو برکت ازت دور بشه و یکی بهت بدبین بشه یا یه اتفاق خوشمزه ای که قرار بود روزیت بشه الان ازت

دور بشه...

داداش گلم...

کنترل نکردن نگاه قطعا اثرشو میذاره.

گاهی یه نگاه برکت رو از زندگیت میبره.

صرف آفرم...

داداش گلم...

حالا که زندگیت تو مسیر پاکی برکت گرفته و توفیقات الحمدلله زیاد شده چون عزیزترین کسی که دوستش

داری قسمت میدم که نرنی با یه نگاه حرام خرابش نکنی...

داداش گلم ؟

ساختن خیلی زحمت میخواد... ولی خراب کردن یه لحظه هست...

داداش گلم... عزیز دل برادر... حالا که پیش اهل بیت یه آبرویی پیدا کردی نزن خرابش نکن...

اهل بیت از کسی که تلاش میکنند خیلی خوششون میاد.

داداش ؟

من به شدت معتقدم اعمال ما نشون میده در طول زندگی چی برامون مقدر میشه...

اگه چیزی برات مقدر بشه ...خدا اراده میکنه فلان اتفاق برات بیوفته ...چون خیرت در اون میشه...

اگه میخوای اتفاقات به صورت خیر و زیبایی برات مقدر بشه پس اعمالتم تغییر بده ...

بنای خدا بر حال دادنه...

مگر اینکه تو زندگی خیلی خر بازی در بیاریم...

داداش؟

ماها طاقت بعضی از مقدرات رو نداریم....

نذار روزگار دمار از زندگیت در بیاره...

داداش ؟

کسی که وسط یه کار غلط برگرده ... واقعا نظر رحمت خدا شامل حالش میشه...

چون نا امید نشد و نگفت آب که از سر گذشت چه یه وجب چه صد وجب...

نه...

نا امید نشد...

بلکه برگشت...

برگشت و گفت :

خدایا...یا اهل بیت... متوجه اشتباهم شدم.... خدایا... معذرت می‌خوام...اهل بیت....معذرت می‌خوام...

پس اگه چشمت خورد...دیگه نگاهتو ادامه نده....

سوره آل عمران آیه ۱۳۵:

والذین اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر الذنوب الا الله ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون
اگه يهو حواست پرت شد و گناهی کردی...؛ برای کاری که کردی ، معذرت خواهی کن –واقعا جز خدا کی میتونه کار غلطت رو ببخشه ؟
باشه...میبخشمت...ولی بنده من ؟ دیگه تکرار نکن...باشه ؟ انقدر به کار غلطی که کردی اصرار نکن...چون خودت میدونی کارت غلطه...
پس ادامش نده...

داداش ؟

خیلی از دخترای چادری اصلا هدفی تو زندگی ندارن...

بخاطر همینه میرن دنبال جلب توجه...

داداش...

باور کن وقتی به زندگیش ریز میشی میبینی اصلا هیچ هدفی نداره...نه هدفی داره و نه برای آخرتش کاری میکنه....همینجور الکی زندست...

هی میخوره میخوابه....عین گوسفندا.

خداشو هوای نفسش کرده و داره هوای نفسشو صبح تا شب میپرسته.

خودشم گول میزنه که چادریه...ولی فقط یه چادری نماست...

اصلا با خدا کانکت نیست....سیمش وصل نیست... تهشم هیچی....خسره الدنیا والآخره میشه.

داداش... براشون دعا کن... واقعا دعا کن...

همین... حرفام تو فصل سه هم تموم شد...

بریم سراغ فصل بعدی...

خدا نگهدار داداش گلم.

پایان فصل سوم

کتاب :

نون داغتو نشون گشته نده جلد ۳ (درباره‌های چادری نما)

فصل چهارم : هیچوقت پسری رو به گناه نداز...

سلامی دوباره به خواهرای خوبم...

تو این فصل میخوام کمی درمورد شهوت پسرا باهاتون حرف بزنم... چون خیلی هاتون نمیدونید شهوت پسرا تا چه حد هستش..

بین...

ما پسرا مدلمون اینجوریه که تا یه دختر میبینیم که زینت هاش مشخصه ناخوداگاه تحریک میشیم... لطفا دقت کنید!

دارم میگم ناخوداگاه!

یعنی به اون نمازی که رو به قبلش نماز میخونی قسم که دست خودمون نیست!

خیلی هاتون به ما پسرا میگید خب کور بشو نبین... ولی باور کن دست خودمون نیست!

من شخصا کارم دیگه داشت به تیمارستان میکشید... چون هر کاری میکردم این لامصب خفه نمیشد...

ولی شما دخترا شاید شهوت داشته باشید اما قبول کن که کنترلش براتون راحت تره... نگو نه که دروغه.

اکثر دخترها کنترل شهوت بلد هستن...

البته بعضی ها هم هستن که گرگ شهوت دارن... ولی اصولا کنترل شهوت برای پسرها سخت تره...

باور کن خیلی سخته..

ای کاش پسر بودی میفهمیدی دارم چی میگم...

ولی اگه درک نمیکنی امیدوارم خدا بهت یه پسر بده که بعدش بفهمی شهوت پسر چجوریه و چقدر در برابرش نا

توان خلق شده... شما دخترید نمیدونید پسرا چجوری ان و چه مدلی خلق شدن.

باور کن پسرا گناه دارن.

خدا مدل پسر رو اینجوری خلق کرده پس تو هم مراقب رفتارت باش و درکش کن...

اگه پسری رو درک کنی و بهش رحم کنی مطمئن باش خدا هم بهت رحم میکنه...

واقعا چرا باید یه دختر با چادر شلوار کوتاه بیپوشه پاهاش و جوراب رنگیش معلوم بشه...

چرا باید موهاش معلوم بشه...

اینه حجاب ؟

چرا باید یه دختر چادرش با یه باد بره کنار و همه چیش مشخص بشه..

خواهش میکنم نکن این کار رو...

به جان خودم اگه شما چادری ها خوب چادر بیپوشین بی حجابا حجابشون رو درست میکنن.

من همیشه به فاطمه میگم...

میگم دلیل بی حجابی تموم دختر ها سبک چادر پوشیدن چادری هاست...

وقتی چادری هامون اینجوری باشن دیگه چه توقعی از بی حجابا میره...

تو باید به فکر این باشی که حجابت محکم تر بشه نه اینکه سست تر بشی...

شما دخترید بعضی از ویژگی های غریزی ما پسرارو نمیدونید...

بی خیال...

نمیخوام ریز بشم...

اینارو گفتم واسه دختری که وجدانش کار میکنه...

به قول استاد پناهیان : اگه خوبامون خوب تر بشن..بدامون خوب میشن...

ای خدا ؟

به دخترای چادریمون حجاب بده.

آمین...

آبجی ؟

چرا با چادر روسری آبی سرت میکنی...

چرا ؟ چرا ؟

چرا رنگ قرمز میپوشی ؟

چرا ؟

چرا رنگ جیغ میپوشی ؟ یعنی میخوای دلبری کنی ؟



خوشت میاد ما پسرا اذیت بشیم و نگاهمون هرز بشه ؟

دوست داری شوهرت نگاهش به این دخترای دلبر مذهبی بیوفته ؟

خوشت میاد شوهرت ببینه تو دلش بگه : ای جون. چه دختر خوشگل با حجابی... چه حجاب بش میاد ...

خوشت میاد ؟ خوشت میاد دل شوهرت رو این دخترای چادر لاکچری بلرزونن ؟

پس حالا که خوشت نمیاد پس خودتم دلبری نکن با چادر !

با حجابت دلبری نکن تا پس فردا یکی با حجابش پیش شوهرت دلبری نکنه !

جون مادرت درست چادر بپوش. نکنید این کارو با پسرا....

تو این گرونی و تورم این پسرای بد بختو با این دلبری کردنت با چادر روانی نکن.

پسرا دیوانه بشن واقعا دیوانه میشن...

گفته باشم.

هر کاری کنن گردن شما هم هست...چون شما تحریکشون کردید.

اگه ناراحتی برو یقه خدارو بگیر که چرا پسر هارو اینجوری آفریده!

شاید بگی نبین..

خب این پسر بنده خدا نمیبینه...ولی چشمش که میخوره!

اینو چکار کنه پس ؟

درکم خوب چیزیه.

یکم درک کنید شرایط پسرارو...

یه پسر هر چقدر هم خوب باشه بازم تو شهوت پاش میلنگه...

نکنید با پسرا از این کارا...

این یه خشونت علیه مردان هستش!

با چادر شلوار تنگتو کجای دلم بذارم ؟

ببین آجی...

تو باید محجبه تر بشی.نه اینکه همینم بذاری کنار و سست بشی.

نذار پاهاتو پسرا ببینن.

نذار توجه بهت جلب بشه.

چادر پوشیدی که مال خدا بشی فقط...نه اینکه دلبر همه بشی..

دلبر خدا باش...

به جای اینکه روسری رنگی بخری با چادر ست کنی برو یه چادر نماز خوشگل رنگی بگیر و برای خدا ست های

خوشگل بزن سر نماز..

اصلا برای شوهرت ست بزن...با پسرای بیرون چکار داری ؟

روی سخن من فقط دخترا نیستن.

اگر هم مرد هستی و متاهل هستی و خانومت چادریه نذار اینجوری بیاد بیرون.

غیرتی باش یکم!

چرا اجازه میدی پسرای دیگه زنتو با این وضع چادر پوشیدن ببینن ؟ مگه تو سبب زمینی هستی ؟



یه دختر چادری تو
خیابون با صدای بلند
نمیخنده. با وقار راه
میره. سبک بازی در
نمیاره تو خیابون !!!!!

نذار زنت دل پسری رو بلرزونه داداش!

بهش بگو درست چادر سر کنه بیاد بیرون!

نذار ست رنگی بزنه بیاد بیرون!

به من چه اصلا... اینارو خودت عاقل باشی میفهمی. میدونی چیه...

من معتقدم هوای نفس بعضی دخترای چادری خیلی گندست...

با حجاب کردن یه بی حجاب ساده تر از با حجاب کردن یه چادریه.

اینو هیچوقت یادت نره...

من رو قضیه حجاب چند ساله دارم کار فرهنگی میکنم.

اونجوری که چادری ها از حرفایی که میزنم گارد میگیرن دخترای بی حجاب نمیگیرن.

دلیلش همونیه که گفتم.

هوای نفس بعضی دخترای چادری گنده شده.

دلیلشم شاید اینه که فکر میکنن بهشتی میشن چون صرفا چادری هستن.
هه...

خواهش میکنم بیرون خواستی بری حجاب داشته باش.

بعضی از دخترا فقط دنبال فراکنی هستن...

من حرفام خیلی ساده و مشخصه...

چرا بعضی دخترای چادری نمیفهمن واقعا؟

کدوم مرجع تقلیدی گفته با چادر و حجاب دلبری کن؟

هوم؟

مراجع تقلید میگن حجابتو رعایت کن که جلب توجه نکنی... بعدش تو با چادرم میخوای جلب توجه کنی؟
خب این چه فرقی کرد؟

مراجع تقلید میگن روسری رنگی مشکلی نداره... ولی ببین؟

تا اینکه منظورت از رنگی چیا باشه...

این خودش خیلی داستان داره...

پس نگید رضا مراجع تقلید گفتم مشکلی نداره...

مراجع تقلید نگفتن روسری رنگ جیغ بیوش.

خیلی جالبه...

تا میخوای یه دختر چادری رو دعوت به حجاب کنی میگن داری افراط میکنی...

دقیقا میدونی عین چیه؟

عین همون بی حجابی هستش که بهش میگی حجاب داشته باش میگه داری افراط می کنی.
ببین...

من دارم میگم روسری جیغ نیوش...

این کجاش افراطه؟ ☹️

خب حداقل روسری میخوای بیوشی یه روسری باشه که جیغ نباشه. رنگ تیره تر داشته باشه...

آیا این حرف بدیه که می‌گم روسری جیغ با ست دست و گلگلی نپوش ؟

ای خدا...

من چی بگم...

ولش کن.

ولی اگه گوش شنوا داری روسری رنگی اصلا نپوش.

ولی اگه نمیتونی روسری خیلی خیلی تیره بگیر.

اگرم که کلا نمیتونی که هیچی.

راحت باش کلا.

من برم صبحونه بخورم.

فعلا ☺

التماس فکر.

پایان فصل چهارم

کتاب :

نون داغتو نشون گشنه نده جلد ۳ (دلبهرهای چادری نما)

فصل پنجم: چادری های بی حياء !

سلامی دوباره...

خب...

این فصل پنجم این کتابه....

خدارو شکر از بازخورد هایی که گرفتم متوجه شدم خیلی از دختر ها تلنگر خوردن و به خودشون اومدن...

واقعا اینا لطف خداست...

چون امروز سر نماز صبح به خدا گفتم به کلامم اثر بده تا بتونم دختر های چادری رو با حجاب کنم.

این دیگه آخرین جلد از این کتابه...

من درمورد حجاب به اندازه کافی حرف زدم...

جلد اول کتاب درمورد بی حجابی بود...

جلد دوم کتاب هم درمورد دعوت به چادر بود...

جلد سوم هم که بیشتر درمورد با حجاب کردن دختر های چادری ها بود....

ولی بذار یه چیزی درمورد طرز حرف زدن دخترای چادری بگم...

چون چادری باشی ولی حياء نداشته باشی بازم یه جای کار میلنگه!

خواهر عزیزم ؟

لطفا تو خیابون بلند بلند نخند...

این با چادر در تضاده!

تلاش کن وقتی داری با یه مرد حرف میزنی صدات ناز نداشته باشه!

خیلی از شما دخترا انقدر صداتون قشنگه که دین و ایمان یه پسر رو در صدم ثانیه ویران میکنه

خب چرا این کارو میکنی؟

خب صدات قشنگه..باشه قبول....ولی نکن این کارو.

وقتی صدات رو نازک میکنی دل یه پسر میلرزه.

شاید بگی خب رضا صدامون همینه...چکار کنیم خا ؟

ببین....

یکم درست کن صداتوا!

باور کن پسرا دست خودشون نیست...خدا شما دختر هارو طناز آفریده...

صدات که نازکه دل یه پسر رو کلا میپوکونه!

پسر ها خوب میفهمن من چی میگم...

صدای یه دختر میره تو گوشت و روح و همه چی یه پسر...

دل میلرزه باور کن...

دختر ها به صورت ذاتی و خدادادی این مدلی آفریده شدن که ناز دارن و عشوه و این چیزارو بلدن.

ولی خب خواهر من ؟

تورو جون هر کی دوست داری با نامحرم با ناز حرف نزن.

بعضی وقتا زنگ میزنم شرکت وقتی منشی برمیداره همچین با ناز حرف میزنه که به قول امروزی ها برگام

میریزه.

به جان خودم راست میگم.

میگم خدایا الان اینو چیکارکنم.

خیلی وقتا میگم فاطمه حرف بزنه چون دلم میلرزه...

دست خودم نیست.

خواهش میکنم اگه صاحب شرکت یا جایی هستید منشی زنتون یه چیزی نباشه که پشت تلفن دل پسرارو با

صداش بلرزونه.

خودتم وقتی داری با یه نامحرم حرف میزنی اصلا صداتو کش نده.

اصلا نازکش نکن.

شاید بگی رضا خب این صدای من همینجوری نازکه...

ببین ؟ میدونم.

آخر فعل رو نکش.

هروقت زنگ میزنم شرکت هی دعا میکنم خدایا کاری کنه دختر برنده...

ببین؟

...سلام

گفتم همیشه به آژانس بفرستید ؟

خیلی راحت و صمیمی حرف میزد باهام.

الان من يه سوال دارم ؟

چرا این دختر باید پشت تلفن به من بگه جانم؟

چرا باید با من خیلی صمیمی حرف بزنی ؟

چرا باید به قول امروزی ها با لحن تهرونی غلیظ با من حرف بزنی ؟

حالا خوبه مشهدی بود...ولی تهرانی حرف میزد خخخ.

آجی ها ؟

صداتونو انقدر نازک نکنید... انقدر صمیمی با راننده تاکسی حرف نزنید...

وقتی میخوای حرف بزنی صدای نازکتو جمع و جور کن.

به اینا میگن **حیا رفتاری**...

اگه چادری هستی ولی رفتارت حیا نداشته باشه میشی مثل همین دخترایی که با چادر خیلی کارا میکنن.

باور کن آبروی حجاب میره اگه رفتارت حیا نداشته باشه.

صداتو نیار یاییین... چون وقتی با تن صدای یاییین حرف میزنید خیلی تحریک میکنید مرد هارو.



بابا دست خودمون نیست... بفهمید دست خودمون نیست... نگید لاشی هستید... نه... دست خودمون نیست...
به قبله ای که جلوش نماز میخونی دست خودمون نیست.

درک کنید جنس مرد رو.

صداتونو بالا بیارید و ناز رو ازش حذف کنید.

اصلا نکشید صداتونو.

اگه داری صداتو میکشی بدون داری کسیو به گناه میندازی... چون خدا مردهارو یه جوری خلق کرده که بد جوری سستشون میکنه این صدای لامصب تو.

پسرا خوب میدونن چی میگم.

لطفا این رفتارهارو با شوهر هاتون داشته باشید. نه با مرد غریبه.

اگرم مجردی تحمل کن و مطمئن باش خدا به وقتش یه شوهر با احساس بهت میده که نازتو واقعا خریدار باشه...

وگرنه اگه مواظب تن صدات نباشی و دل بلرزونی خدا یه شوهر بهت میده که ظاهرا شاید همه چیش خوب باشه... ولی عاطفه نداره.... نمیدونم دیدی یا نه... ولی بعضی مرد ها عاطفه ندارن.

هر چقدر هم ناز و عشوه بیای کلا واکنشی نشون نمیدن..

پس دل نلرزون تا نفرین پسرا نگیرت.

بوی گل بده تا پروانه سمتت بیاد..

هوای نفس چادری های لاکچری گنده تر از یه دختر بی حجاب.

بخاطر همین مجبورم محکم تر حرف بزنم...

امیدوارم همگی به راه راست هدایت بشیم .

یه چیزی هست نمیخواستم بهتون بگم...چون این شخص تو کانال و سایتمونه...ولی خب...چون واجبه بگم میگم...

راستشو بخوای یکی از بچه های سایت که مشهدی هم هستن مارو خونشون ناهار دعوت کردن...

من و فاطمه رفتیم خونشون.

چیزی که خیلی توجه من و فاطمه رو جلب کردن حجاب و حیایی بود که تک تک اعضای این خانواده داشتن...

من که مخم هنگ کرد.

یه دختری بود ۸ سالش بود...

ولی انقدر این دختر با حیا و مودب بود که من مخم هنگ کرد...

وقتی این خانواده رو دیدم تازه فهمیدم چقدر تربیت میتونه سرنوشت یه دختر رو تغییر بده.

تک تک این دختر ها یکی از یکی بهتر تربیت شده بودن.

هنوز که هنوز من و فاطمه وقتی در مورد اون مهمونی حرف میزنیم تعجب میکنیم.میگیم خدایا چقدر اینا خوب و مذهبی بودن آخه...

فاطمه رفت پیش اون دختر ها و باهاشون هم کلام شده بود...

فاطمه بعدش بهم گفت تو عمرم دوستی نداشتم که تا این حد مودب و خوب باشه.

میبینی ... یعنی تا این حد...

اینارو گفتم تا بگم حجاب باید همراه با حیا و ادب باشه. و این با خودسازی به دست میاد.

ببین؟

من به عنوان کسی که کلی درمورد حجاب کار فرهنگی کردم یه چیزی میخوام تو این جلد آخر کتاب بهت بگم...

ببین؟

دختری که بخواد چادری محجبه بشه زیر سنگم شده راهشو پیدا میکنه...

ولی دختری که نخواد یه بهونه سریع جور میکنه... مثلاً میگه زوده یا هنوز آدم نشدم یا با چادر چاق میشم و از این چرتو پرتا...

هر وقت دیدی کسی بهونه میاره بدون هنوز دلش با حجاب همراه نیست. وگرنه بهونه نمیآورد.

نه تنها حجاب... بلکه نمازم همینه...

هر کی رو دیدی برای نماز بهونه میاره بدون کلاً هیچ اعتقاد و ایمانی توی قلبش به خدا و رسول و روز قیامت نیست. وگرنه حتماً نماز میخواند.

در مورد جوراب رنگی خانوما هم میخوام یه چیزی بگم...

ببین...

بعضی ها میپرسن جوراب رنگی چه اشکال داره و اینا...

ببین...

صرفاً بحث تحریک نیست ...

بلکه بحث جذابیت و کشش هستش...

خب آدمیزاد از چیزای رنگی خوشش میاد....

خب چرا باید بیوشی که کشش ایجاد کنی؟

تو بحث حرف زدن با نامحرم هم همینه....

ببین؟

من میدونم دلت پا که و نیت بدی نداری و از این حرفا... درسته تحریک نمیشی ولی کشش که ایجاد میکنی ...

میگیری چی میگم ؟

خب چرا کاری میکنی پیش نامحرم کشتش ایجاد کنی ؟

درسته من تو این سه جلد دخترهارو فقط مخاطب قرار دادم...

ولی داداش...تو هم مراقب باش !

پسر ها هم نباید جلو جمعی که نامحرم هستش شوخی بکنن.... و یا تیکه ای بندازن که باعث خنده اکثریت بشه ... ممکنه

نظر اون دختر به شما جلب بشه و یا موجب ناراحتی همسر اون آقا بشه...

اگر برای دختر ها با ناز صحبت کردن بده و دل یک آقایی میریزههههباید بگم دخترا هم با این کار آقایون متوجه اون

نمک درونشون میشن و دلشون میریزه و از اون طرف هم خانم اون آقا اگه متاهل باشه ناراحت میشه...

پس تو هم مراقب باش..

بگذریم...

بهتره به حجاب برگردم...

در کل فلسفه مشکی بودن چادر همینه که **دافعه** ایجاد کنه.

نه اینکه با چادر روسری رنگی با کفش و جوراب رنگی و ست بزنی و بپوشی و با چادرم دلبری کنی...

اینایی که اینجوری هستن اصلا فلسفه چادر رو نمی دونن...

باور کن خیلی از این مجری های محجبه تلویزیون هم مقصر هستن...چون ناخواسته دارن تبلیغ حجاب لاکچری میکنند.

همینا هستن که یهو میرن خارج و کشف حجاب میکنند.... میدونی چرا ؟

چون فقط بخاطر قوانین صدا و سیما چادر سر میکردن...ریا میکردن که زودتر مجری بشن معروف بشن.

نمونشم همین مجری چادری که رفته خارج و کشف حجاب کرده.



تا دلت بخواد نمونه های اینجوری هست.

یه چیزی هم درمورد ازدواج بگم..

آخه یه دختر چادر لا کچری بهم گفته بود رضا خب اگه ما تا این حد با حجاب باشیم کی مارو ببینه بیاد خواستگاریمون ؟

جواب:

اولا پسری که چادری بخواد عمرا بره سمت مانتویی.

و یکی که مانتویی بخواد عمرا بره سمت چادری.

چون سلیقه ها فرق داره. دوما ؟

هر کسی عین خودشو میکشونه سمت خودش. شک نکن اینجوریه....

تو اگه برات مهمه که فقط زیباییت دیده بشه یکی هم میاد سمتت که اتفاقا زیبایی برات مهمه نه صرفا چیزی که درون خودت و روح داری...

در ضمن ؟

خواستگار روزیه.

یعنی از سمت خدا حواله میشه.

هر چقدر هم به ازدواج بچسبی ازش دورتر میشی... چون داری وابستگی نشون میدی...

باید مدلت اینجوری باشه که بگی من تلاش میکنم بوی خوب بدم و وظیفمو که انجام تکلیفه انجام میدم...

خدا خودش میدونه کیو روزیم کنه.

باور کن اگه این مدلی با خدا تا کنی خدا هم خوب هواتو داره.

انقدر هم ظاهر بین نباش...

خیلی از دخترا صد تا خواستگار دارن ولی همه رو با هم جمع بزنی یکی نمیشن...

صد تا خواستگار داشته باشی ولی اونی که میخوای نباشه چه فایده.... اتفاقا حوصله برم هست. تو خواستگار داشتن کمیت مهم نیست کیفیت مهمه!

بین ؟

عیب آدمارو خدا میدونه نه تو...

پس به خدا اعتماد کن.

یه چیزی هم میگم یادت نره...

تو با گناه چیزی برات مقدر میشه که خوشمزه نیست...

پس به نفعته که زیر آبی نری...

وگرنه شاید با این سبک حجاب چادرت که دلبر هستش شوهر کنی... ولی بدجور تو زندگی اذیت میکنه.

یه کار میکنه موهات عین دندونات سفید بشه.... پس ازدواجت رو بده دست خدا.

اگه وابستگی به خدا باشه و تموم زورتو بزنی که به خدا اثبات کنی دلیل ازدواجت پیدا کردن یه همسفر بهشتی هستش... خدا یه کسی رو روزیت میکنه که عین خودت دنبال همین چیزاست و مهربون و درستکاره...

اما اگه هدف از ازدواج صرفاً شوهر کردن باشه و یکی که امیال و کمبود هاتو ارضا کنه... و برای این هی دلبری کنی... من با شناختی که از خدا پیدا کردم مطمئنم یکی گیرت میاد که آدم موجهی نیست... چون تو درسی که باید میگرفتی رو نگرفتی...

پس باید همچنان درس پس بدی!

درس هم اینه :

تو باید اولویت زندگیت خدا باشه.. باید با یاد خدا آرام بشی... کمبوداتو باید خدا پر کنه... باید دلبر خدای شی...
آره...

باید دلیل ازدواجت این باشه که یه همسفر بهشتی پیدا کنی که سیمت بیشتر به خدا وصل بشه.
فاطمه میگه من اصلاً غم ازدوادم رو نمیخوردم... فقط از خدا میخوامم یکی برام پیدا کنه... جالبه... بعد ما به هم رسیدیم...

ولی اگه فاطمه زور میزد برای ازدواج... مطمئن باش به هم نمیرسیدیم...

میدونی چرا ؟

چون تو درس های زیادی رو باید میگرفت که نگرفت...

آره...

وابسته شدن به چیزی و کسی غیر خدا باعث میشه از خواسته هات دور بشی....

پس دلبر خدا شدن رو تو مجردیت تمرین کن..

وگرنه بعداً به مشکل برمیخوری.... ازدواج تا حد خیلی زیادیش دست خداست...

ولی این تویی که مشخص میکنی کی روزیت بشه...

یعنی اعمالت مشخص میکنه چی روزیت بشه...

یه راهنمایی میکنم :

هر چیزی که تو مجردیت هستی بعدش یکی وارد زندگیت میشه که عیباتو رو میکنه تا بعد ازدواج بهتر ببینیشون...

چقدر این کتاب تا بوی گل ندی پروانه سمتت نمیداد خوبه...

کل این کتاب درمورد خودسازی قبل ازدواجه...

حتما بخونش تا دلبر خدا بشی و برای ازدواج آماده بشی....

اکثر کسانی که شوهر بد کردن بخاطر این بوده که تو مجردیشون اون درسهایی که باید میگرفتن رو نگرفتن و دلبر خدا نبودن....

پس تا وقت هست درس هایی که باید بگیری رو بگیر تا بعدش پسری روزیت بشه که نخواد با عیب هاش تورو رشد بده... بلکه تورو با خوبی هاش رشد بده...

میگیری چی میگم ؟

ببین ؟

اگه این آزمون رو تو مجردیت ازش قبول نشی...عین همون آزمون رو به یه شکل دیگه تو متاهلی ازت میگیرن تا بعدش معشوق حقیقت رو پیدا کنی...

آبجی ؟

توصیه میکنم کتاب رفیق شیش رو بخونی...این کتاب برای دلبر خدا شدن فوق العادست.

آبجی ؟

در کنار محجبه شدن حتما رو عیباتم کار کن. حتما...

اگه این سه جلدی که نوشتم تونست تلنگرت بزنه و با حجابت کنه حالا دیگه باید بری دنبال درست کردن عیبات...پس به سایتمون خیلی سر بزن....

همین...حرفام تو این فصل هم تموم شد...



راستی ؟

یه دختری بهم گفت من دختر زشتی هستم....چرا باید حجاب داشته باشم؟ اصلا کی منو با این قیافه نگاه میکنه؟

انقدر زشتم که خودم حالم بهم میخوره جلو آینه خودمو ببینم بعد برم حجاب کنم پسری منو نبینه ؟

جواب : ببین ؟

صورتت زشته...اندامت که زشت نیست...اصلا اندامت زشت...مگه تو میخوای برای پسرا حجاب کنی ؟

تو میخوای برای خدا و حضرت زهرا حجاب کنی... ولی در کل اینا همه همش بهونست.

تو اگه خوشگلم بودی یه بهونه دیگه جور میکردی و میاوردی تا محجبه نباشی.

ببین ... دیگه من نفس شمارو شناسم باید بمیرم.... کسی که نخواد یه کاریو بکنه صدتا بهونه جور می‌کنه.

نفس انسان یه موجود عجیب غریبه که هر دختری رو یه جوری بازی میده.

نفس یه دختر واسه حجاب زیر بار نمیره... چون سختشه رنگی نپوشه... بخاطر همین دنبال بهونه میگردد.

نفس انسان برای هر کسی یه بهونه جور میکنه...

ولی کسی که هوای نفسشو زمین بزنه دیگه بهونه نمیاره و هر چی خدا بگه میگه چشم.

اینو گفتم تا بدونید ماجرا از چه قراره. ببین ؟ اگه زشت ترین دختر روی کره زمین هستی بازم حجابتو رعایت کن. هرچند... این که خودتو زشت میدونی خودش یه ضعف عزت نفس هستش که باید بری درستش کنی...

اما در کل اگه زشت ترین و لاغر ترین و داغون ترین و قد کوتاه‌ترین و هر چی ترین هستی بازم حجابتو رعایت کن.... اگه میگی نه چون هوای نفست گندست که زیر بار نمیری.... تو اگه خوشگل ترین هم بودی بازم بهونت یه چی دیگه بود. ولی میدونی چیه... خدا هیچکسی رو زشت نیافریده.... واقعا متاسفم واسه هر دختری که اینجوری فکر میکنه... بعضی دخترا انگاری خود زشت پنداری دارن. به نظرم دلیلش همین مقایسه کردن هاشونه. شایدم اینستاگرام ... واقعا اینستا واسه یه دختری که کمی خود زشت پنداری داره عین سمه.

بی خیال... من برم نماز... داره اذان ظهر میگه... فصل بعدی فصل آخره...

فعلا ☺

پایان فصل پنجم

کتاب :

نون داغتو نشون گشته نده جلد ۳ (درباره‌های چادری نما)

فصل ششم: داداش رضا دوست داره...

سلام خواهر های عزیزم...

این کتاب از من به یادگار میمونه...

اگه یه وقتی شهید شدم این کتاب رو چاپ کنید و پخش کنید.

میدونم لحن صحبت کردنم تو این کتاب تند بود...

شاید تو دو جلد قبلی انقدر جدی حرف نزدم...

ولی واقعا لازم بود اینجوری حرف بزنم...

چون من دخترای زیادی رو با حجاب کردم...

ولی با حجاب کردن یه دختر چادری سخت تره... چون هوای نفسش گنده تره... چون فکر میکنن حالا که چادری

ان حتما بهشتی میشن. بخاطر همین دچار عجب و غرور میشن و حرف حق کمتر تو مخشون میره.

بخاطر همین مجبور شدم جدی حرف بزنم...

ولی همه حرفام از سر دلسوزی بود.

اونایی که داداش رضارو میشناسن میدونن من اخلاقم چجوریه.

وگرنه راستشو بخوای من بیشتر نگران قبر و قیامت خودمم... ولی راستشو بخوای یه مدته خیلی با حضرت زهرا

رفیق شدم...

دوست ندارم کسی چادر مادرمو مسخره کنه...

یه جورایی غیرتی شدم که بعدش جلد سه رو نوشتم.

این کتاب نیومده که تورو قانع کنه...

این کتاب اومده که تورو به وجدان خودت واگذار کنه.

من شاید شهید بشم...

ولی اگه شهید شدم و خواستی مثل من کار فرهنگی بکنی یه تجربه از من به یاد داشته باش...

ببین ؟

دختری که هنوز عاشق خدا نشده نمیتونه دستور و امر الهی رو عمل کنه...

وگرنه یه دختر هر چقدر به خدا سیمش وصل بشه ...بیشتر حجابش محکمر میشه..

ببین...

اگه دختری رو دیدی که از چادر فقط رنگی رنگی کردن رو یاد گرفته بدون هنوز عاشق خدا نشده...

شاید بیاد پیش تو و بگه این چیه پوشیدی...رو سری مشکی نپوش...شاد باش...رنگی بپوش!

ولی وقتی تو خلوت خودش که میره کلی غم تو دلشه...

نمیدونه شادی به این چیزا نیست... آره...

اگه دقت کنی میفهمی که این دخترای چادری که با چادر اینجوری میان بیرون از درون خیلی پوچ هستن و واقعا

حالشون خوب نیست... میگن رنگی بپوش و شاد باش و افسرده نباش....ولی باور کن خودشون از همه بیشتر

افسرده ان!

اینو از من یادت باشه...

یه دختر هیچوقت زیر بار حجاب نمیره...مگر اینکه عاشق و دیوونه و شیفته خدا و اهل بیت بشه...

وگرنه اگه اینا براش جا نیوفته خیلی راحت میگه همه پسرا بیمار هستن و نبینن و کور بشن جای دیگه رو ببینن

و از این مزخرفات.

وگرنه دختری که سیمش به حضرت زهرا وصل باشه میاد میگه : رضا ؟ تورو قران بگو چکار کنم تا توجه پسری

رو جلب نکنم؟ آخه من میخوام فقط مال خدا و اهل بیت باشم...

ولی دختری که سیمش وصل نباشه میگه : خا مگه چیه ؟ یه روسری آبی بپوشیم ارضا میشین ؟ خاک بر سرتون

ای پسرای بی جنبه مریض. میبینی... اینه تفاوت یه دختری که سیمش وصله با یه دختری که خدش هوای

نفسشه. یه دختری که سیمش وصله همیشه میره دنبال رعایت حجاب به صورت حداکثری !

ولی دختری که سیمش وصل نیست به یه چادر با ست رنگی راضیه.

یه دختری که سیمش وصله حتی تو خونه هم برای داداشش حجاب داره. چون میدونه که داداشش از سن 10

سالگی به بعد حالیش میشه بعضی چیزارو...

بخاطر همین تو خونه جوری لباس نمیپوشه که توجه داداشش رو جلب کنه.



حرفام تو این فصل داره تموم میشه...

ببین ...

درسته من تو این سه جلد دخترهارو فقط مخاطب قرار دادم...

ولی داداش...تو هم مراقب باش!

پسر ها هم نباید جلو جمعی که نامحرم هستش شوخی بکنن و یا تیکه ای بندازن که باعث خنده اکثریت

باشن...تو هم مراقب باش....مطمئن باش نظر اون دختر بهت جلب میشه...و اگر متاهل باشه باعث ناراحتی

همسرش میشه...

اگر برای دختر ها با ناز صحبت کردن بده و دل یک آقایی میریزههههبرای یه دختر هم از اینکه تو جمع نمک

بریزی دلشون میریزه...

پس تو هم مراقب باش..

منم قول میدم مراقب باشم.

چون تو این مورد واقعا میلنگم.

چون خیلی اهل مرض ریختن و خندوندن هستم...

ولی به مظلومیت حضرت زهرا قسم که دیگه تکرار نمیکنم...

همین...

امیدوارم در انتها هممون جمعا اصلاح بشیم 😊

برای شهادتم دعا کنید...

یا زهرا سلام الله علیها...

فعلا خدا نگهدار ❤️

پایان فصل ششم

کتاب :

نون داغتو نشون گشته نده جلد ۳ (درباره‌های چادری نما)

فصل هفتم: فصل پاسخ به سوالات

داداش رضا سوال دارم...

سوال یک:

داداش رضا؟ شما گفتی تو خیابون عطر و ادکلن نزنیم که نامحرم نگامون کنه ...پس برای بوی بد عرق چکار کنیم؟
اسپره بزنیم خوبه ؟

جواب:

یه پودری هست عطاریها دارن. وقتی از حموم برمیگردی اگر استفاده کنی حتی اگر عرق هم بکنی به لباس منتقل نمیشه و اصلا هم بو نمیده.مام عرقگیر هم میتونی استفاده کنی.
ولی ادکلن نزن تو خیابون.چون حدیث داریم اگه زنی تو خیابون بوی خوشگل بده و مردا برگردن ببینن...این زن زنا کرده.

سوال دو:

تو مراسم خواستگاری با چه چادری بیایم ؟

جواب:

جلسات اول تیره باشه و به مرور که جلسات ادامه داشت روشن بشه.
به خصوص جلسه اول لطفا دلبری نکنید.چون اون شخص فقط میخواد بیاد صحبت کنه بنده خدا...اگه دلبری کنی ممکنه به هر دلیلی نشه و صورتت و پوشش و همه چیت تو ذهن این پسر باقی بمونه و اذیت بشه.کلا نذارید جلسه اول احساسی بشه.شما دخترا هم لطفا تو جلسه اول گول حرفای احساسی پسرارو نخورید.خودتونو کنترل کنید.چون پسر و خونوادش تو جلسه خواستگاری اکثرا تعریف میکنن از خودشون.هیچ ماست فروشی نمیگه ماستم ترشه.پس احساسی نکن جلسه اول رو .

سوال سه:

رضا ؟ حرفات درست. ولی تو همش به ما دخترا میگی حجاب داشته باشید. پس چرا به پسرا نمیگی با حجاب

باشن ؟

جواب:

خب نیت اصلی من از نوشتن این سه جلد کتاب تلنگر به شما دخترا بود.

ولی راست میگی.

این پسرا هم باید مواظب لباس پوشیدنشون باشن.

من خودم شخصا پوششم رو عوض کردم.

عکسای قبل تحولم تو سایت هست. من به عنوان نماینده همه پسرا این قول رو میدم که دیگه تو جمع شوخی

نکنیم که دلتون بخواد لپمونو بکشید ولی روتون نشه... و قول میدیم که لباس تنگ نپوشیم که سیکس پک هامون

دیده بشه. البته من که سیکس پک ندارم. ولی در کل میگم خخ.

سوال چهار:

میخوام چادری بشم... اما مادرم نمیذاره ! چه کنم ؟

جواب:

به شهیدای گمنام یا شهید محرابی توسل کن... من شنیدم خوب جواب میده.

ولی در کل تو گناه نباید از پدر مادر پیروی کرد.

سوال پنج:

داداش رضا سلام. من صدام نازک خدادادی هستش. تو کتاب گفتی با صدامون دلبری نکنیم. ولی چجوری ؟

جواب:

بین... صدای فاطمه هم نازکه. بهشم تذکر دادم گفتم صداتو این مدلی نکن موقع حرف زدن. میدونم ته دلتون

چیزی نیست. ولی پسرا صدا روشن بد جور اثر میذاره.

اگه بخوای و تمرین کنی میتونی صداتو درست کنی. یکم مردونه کن صداتو. شوخی و خنده و ناز و عشوه رو ازش

دور کن. شما دخترا خدادادی این مدلی هست صداتون ولی باید تمرین کنی. عین این گوینده های

خبر. میبینی... با اینکه صداشون قشنگه ولی اصلا ناز نداره.

سوال ششم:

خواهرم یه چادری لاکچری هستش.. بهش تذکر دادم.. ولی میگه خب پسرا کور بشن نبینن.. به ماچه اصلا...

داداش رضا چکار کنیم خواهرمون با چادر دلبری نکنه ؟

جواب:

خب همونطور که تو کتاب گفتم چادری ها هوای نفسشون گنده تره.. بخاطر همین با حجاب کردن چادری از با حجاب کردن بی حجاب سخت تره.

چون چادر سر می‌کنه حس می‌کنه دیگه پاک شده و بهشتی میشه.. شما امر به معروف و نهی از منکر بکن و بگو فلسفه چادر چیه و چه الگوی بدی رو داره به بقیه میده.... ولی اگه قانع نمیشه تو دیگه تکلیفی نداری.. ولی اون دنیا خیلی از بچه مذهبی ها یقه خواهرتو میگیرن.. شایدم خود حضرت زهرا ... ولی اگه میتونی سه جلد کتاب نون داغ‌تو نشون گشته نده رو چاپ کن و بده دستش بخونه.. به نظرم چشم و گوشش باز میشه که داره چکار می‌کنه با خودش...

سوال هفتم:

چه توصیه ای به ما چادری ها داری ؟

جواب:

توصیه من اینه که دچار عجب و غرور نشید.. یعنی فکر نکنید الان که محجبه هستید همه میرن جهنم و فقط شما بهشت میرید.

ببین؟

همیشه همه جا بگید این توفیق خدا و لطف حضرت زهراست که چادری محجبه هستم.. اصلا خودتونو تو محجبه شدن خودتون دخیل ندونید.. هر کی از حجابت تعریف کرد بگو من هیچی نیستم.. فقط حضرت زهرا س یه گوشه چشمی بهم داشت و دستمو گرفت... وگرنه من از شر هوای نفسم لحظه ای ایمن نیستم.. همینم نتیجه دعای پدر مادرمه.

اینجوری جواب بده به بقیه.. نگو رفتم کلی کتاب خوندم و تحقیق کردم و خودم انتخاب کردم چادر رو... نه ! این حرفت شاید درست باشه... ولی به مرور دچار عجب و غرور میشی.

پس همیشه بگو لطف خدا و عنایت حضرت زهرا سلام الله علیها و دعای پدر مادرم بود.

سوال هشتم:

یعنی اگه چادری بشیم و محببه بشیم شفاعت حضرت زهرا سلام الله علیها شامل حالمون میشه ؟

جواب:

صد در صد ! ببین ؟ مادر خیلی مهربونه. تو داری حجابت رو رعایت میکنی ... این خیلی با ارزشه. مادرت رو خوشحال میکنی. این دنیا میتونی کلی باهاش انس بگیری و اون دنیا هم چون صدات براش آشناست میتونه لطف حضرت زهرا شامل حالت بشه و دستتو بگیره... از همه مهمتر همینکه که این انس گرفتن تو همین دنیا خیلی کمکت میکنه. میتونی باهاشون حرف بزنی و انس بگیری. میدونی که میشنوه و برات دعا میکنه. انس گرفتن خیلی مهمه... باعث آرامشت میشه و مثل بعضی از دخترا مدام احساس تنهایی نمیکنی....

من با اینکه پسرم همیشه به حضرت مادر میگم برام دعا کنه... تو که دختری مطمئنم بیشتر هواتو داره... ببین ؟ خود امام ها هم به حضرت زهرا س توسل میکردن...

بابا مقام حضرت زهرا سلام الله خیلی بالاست... دیگه بدون داری با کی داری حرف میزنی.

هر وقتم گرفتار شدی یه سر برو سمت حدیث کساء.

سوال نهم:

شما توی کتاب گفتید خانوما صداشونو نازک نکنن. لطفا به پسر ها هم بگید که موقع حرف زدن با نامحرم صداشونو خسته نکنن. چون ما دخترا تحریک میشیم.

جواب:

باشه ... قول میدم هر پسری رو دیدم بهش بگم که موقع حرف زدن با نامحرم صداشو کلفت و مردونه و خسته نکنه... چون دخترا خوششون میاد.

سوال دهم:

یعنی با حجاب باشیم که پسر تحریک نشن ؟ اینه فلسفه حجاب ؟

جواب:

وا... من کی گفتم اینو ؟ من میگم آسیبش اینه. وگرنه نیت اصلیت از حجاب باید گوش دادن به حرف خدا باشه نه صرفا اینکه ما تحریک میشیم. در کل بهترین دلیل برای حجاب اینه که خدا گفته و با حجاب یه دختر یه حس لیاقت و آرامش بیشتری داره و میتونه بیشتر از قبل روحی دیده بشه. از اون طرف باعث گناه کسی نمیشه.... به صورت کلی اینه فلسفه حجاب .

سوال یازدهم:

داداش رضا به این پسر هم بگو یه جوری تیشرت نپوشن که وقتی میشینن پشتشون معلوم بشه!!!

جواب:

والا دلش رو میدونم چیه.

بین...اکثر تیشرت های سایز لارج اینجوری میشه. یعنی وقتی میشینی پشتت قشنگ معلوم میشه. چون تیشرت میاد بالا.

ولی ایکس لارج و ایکس ایکس لارج بهتره و اینجوری نمیشه.

سوال دوازدهم:

داداش رضا بهتر نیست جلد چهارم رو هم بنویسی و توش درمورد حجاب پسر بگی و مثلا بهشون بگی که

چشماشونو تحت هر شرایطی باید کنترل کنن ؟

جواب:

شاید خیلی هاتون منو نمیشناسید و نمیدونید...ولی من درمورد حجاب پسر و کنترل نگاه پسر خیلی حرف زدم...کتاب تیر زهر آلود شیطان هم درمورد کنترل نگاه پسر هستش که توش کامل درمورد راه های کنترل نگاه تو چند فصل کامل صحبت کردم....البته این کتاب دختر پسر نداره. ولی کتاب به شدت خوبیه. شخصا قبلا خیلی چشم چرون بودم ولی وقتی خوب شدم این کتاب رو نوشتم. توصیه میکنم همتون کتاب تیر زهر آلود شیطان رو بخونید..ولی در کل جلد چهارمی برای کتاب نون داغ‌تو نشون گشته نده در کار نیست. سه جلد کافیه و قصد ادامه این کتاب رو ندارم.

سوال سیزدهم:

داداش میشه مانتویی با حجاب باشم ؟

جواب:

حجاب مانتو به گرد پای حجاب چادر نمیرسه. اگه مانتویی هستی توصیه میکنم چادری بشی. مانتو هر کاری بکنی بازم اندامت مشخص میشه. ولی تو چادر نه. اگه برای خودت ارزش قائلی چادری بشو.

خب دیگه...

سوال بسه...

امیدوارم از خوندن این کتاب لذت برده باشید.

این کتاب رو با عشق تقدیم میکنم به مادرم حضرت زهرا سلام الله علیها که همین امروز تولدشون هست.

یه بزرگی میگفت هر موقع یاد حضرت زهرا سلام الله افتادی بدون این تو نیستی که یاد حضرت زهرا سلام الله افتادی... بلکه حضرت زهرا به یاد تو بوده که تو به یادش افتادی....

ارتباط با اهل بیت علیه السلام کاملاً دو طرفه هست و اهل بیت به قلب ها احاطه کامل دارن...

ببین آبجی؟

حتی اگه هیچ آبرویی پیش اهل بیت نداری و یه کارایی کردی که نباید میکردی... بازم ول کن ماجرا نباش...

چون من تا جایی که فهمیدم همه کاره این دنیا و اون دنیا بعد خدا اهل بیت هستن.

پس همیشه برو دم در خونشون. نذار شیطان بگه نمیتونی و نمیشه و تو دیگه از چشم اهل بیت افتادی...

باور کن دستت از دست اهل بیت جدا بشه دیگه کارت تمومه و شیاطین بیچاره میکنن..

هر گناهی و هر جنایتی و هر کار زشتی که کردی... بازم ارتباطت رو با اهل بیت حفظ کن.

این سیم نباید قطع بشه. اینایی که بهتون گفتم رو خودم عمل کردم.

من تو این هفت سال هر بار پام لغزیده بازم ارتباطم با امام رضا علیه السلام رو قطع نکردم.

اتفاقاً اینجور وقتا بیشتر سمت اهل بیت میرم. میدونی چرا؟ چون میگم کمک کنید. من مشکل دارم. دستمو

بگیرید. من اهل بیت رو پزشک روح میبینم. شاید بخاطر همینه هرگز دستمو از دست اهل بیت رها نکردم.

انصافاً شاید آبرویی هم پیش اهل بیت نداشته باشما... ولی من همون بچه پر رویی هستم که نا امید نمیشه.

آره... من هر چی دارم از اهل بیت دارم. وقتی امام رضا منی که اینهمه کارای بد کردم رو تحویل بگیره... مطمئنم

با همه هم همینجوریه. پس هر کاری کردی... بازم برو حرم یا زیارت نامه بخون یا به اهل بیت از راه دور سلام

بده...

این چیزی که من از اهل بیت پیامبر دیدم جز مهربونی چیزی نبوده.

باور کن قشنگ حس میکنم یه چیزی تو زندگیمه.

بچه ها...

من جام اینجا نبود... نمیدونم چجوری بگم متوجه بشید... ولی من نباید اینجا باشم...

من باید بد ترین جای ممکن باشم... خدا و اهل بیت میدونه همه چیمو...

من خیلی وقته مردم... اینی که میبینید یه رضایی هستش که فقط اهل بیت نگهش داشته... وگرنه من خیلی

وقته کشته بودم خودمو...

چیزی نگم بهتره...

امیدوارم هیچوقت دستتو از دست حضرت زهرا رها نکنی آبجی... وگرنه خیلی دور میشی...

خیلی دور....

مراقب خودت باش.

یا علی علیه السلام...

(راستی... دختری که نتونه از دلبریش با چادر بگذره عین پسری هستش که نمیتونه از شهوتش بگذره... اینو یادت

نره...)

این فصلم تموم شد...

میخواستم همینجا کتاب رو تموم کنم... ولی گفتم یه فصل دیگه هم بنویسم...

پس فصل بعدی رو هم بخون.

پایان فصل هفتم

کتاب :

نون داغتو نشون گشنه نده جلد ۳ (دلبرهای چادری نما)

فصل هشتم : اتمام حجت^۳

سلام خواهرای عزیزم...

رسدیم به فصل آخر این کتاب...

اگه به من بگن رضا تو این سالهایی که کلی پست گذاشتی و کتاب نوشتی و کار فرهنگی کردی...
بهترین کاری که کردی چی بود میگم :

با حجاب کردن دخترای چادری...

خدارو شکر خیلی بازخوردهای خوبی از کتاب جدید نون داغتو نشون گشته نده جلد سومش گرفتم.

خیلی از دخترای چادری با خوندن این کتاب با حجاب شدن.

اینا همه لطف خداست.

این کتاب خیلی خوب تونست به دخترا بفهمومه فلسفه چادر چیه و چرا نباید با چادر مشکلی ست رنگی بزنی و
لاکچری بگردن و دلبری کنن.

البته این کتاب فقط دختری رو به خودش آورد که قلب سالمی برای هدایت داره... وگرنه خودتم اینو میدونی که
بعضی دخترای چادری هوای نفس گنده ای دارن و اگه بهشون تو بگی با تریلی ۱۸ چرخ از روت رد میشن...
خب ... این یه حقیقته که قرار نیست هر دختر چادری صرفا حق پذیر باشه. خیلی هاشون برای این چادر سر
میکنن که شاید باباشون میگه چادر سر کن یا از بچگی سر میکردن و عادتشون شده. وگرنه خودشون انتخاب
نکردن که حالا بخوان حجابشونو بهتر و قشنگتر رعایت کنن.

بعضی دخترا واقعا زیاد دنبال رشد نیستن. اگر بهشون چیزی بگی میگن : خب نبینید... شما مردا چقدر بد
هستین. یعنی چی ما حجاب داشته باشیم شما گناه نکنید. چه مسخره. خب نبین. چقدر شماها سستین...

میبینی؟

این دختر حالیش همیشه فلسفه حجاب چیه و مردارو نمیشناسه و چون خودشناسی نداره بقیه رو هم نمیشناسه.

بخاطر همین سختشه...

بعدشم حجاب رو خدا توی قرآن گفته و حد شرعیشم گفته...حتی مراجع هم گفتن حجاب باید چطوری باشه و

جلب توجه نشه...

ولی نمیتونه بپذیره...چون ایمانش ضعیفه...

آخه چجوری حجاب رو رعایت کنه وقتی باورش اینه من باید ست رنگی بزنم تا دیده بشم و شوهر پیدا کنم...

خب ...

ایمانش ضعیفه دیگه...

فکر می‌کنه با این کارا شوهر پیدا میشه...

نمیدونه شوهر رو خدا پیدا میکنه ...نه خودش.

و اتفاقا چون به خودش تکیه میکنه یا شوهر گیرش نمیاد یا کسایی میان خواستگاریش که شوتن.

وقتی هم چیزی میگی میگن خب ما اگه با چادر ست رنگی بزنیم که اشکالی نداره. آدم باید شاد باشه...

تازه رنگ مشکی کراهت داره و افسردگی میاره.

میبینی ...

برای هر چیزی یه توجیه میارن.

آره...حضرت زهرا حتما افسردگی داشته حتما.

هه...

خیلی هاشون عذر بدتر از گناه میارن.

دلیشم مشخصه...

چون هنوز خیلی چیزا رو نفهمیدن.... دین داریشون تقلیدیه....بخاطر همین آبروی چادر رو میبرن.

نمیدونن حجاب چیه...

فکر کردن همینکه چادر سر کنن الان خیلی با حجاب شدن. ولی نمیدونن با چادر هم میشه کلی بی حجابی کرد و دل لرزوند .

در کل این کتاب دختری حق پذیر رو بیدار کرد....

اگه دختری رو دیدی با چادر داره دلبری میکنه حتما این کتاب رو براش چاپ کن و بهش هدیه بده.
باشه ؟

مطمئن باش که حق پذیر باشه قطعا تکونش میده... ولی اگه بخاطر گناهاش قساوت قلب گرفته باشه متأسفانه حق رو با اینکه میدونه رد میکنه .

چون هوای نفسش گنده شده و نمیتونه بهش نه بگه.

پخش و کپی از این سه جلدی که نوشتم کاملا آزاده... پس تا میتونی این سه جلد رو به دست هر دختری برسونید تا بخونه.

ولی هرگز با دختری بحث نکن.

حرفت رو بزن ولی اگه دیدی مقاومت میکنه ولش کن. چون تموم دخترا حقیقت رو میدونن... ولی چون تنبلی دارن و نفسشون گنده شده رد میکنن.

سوره مبارکه قصص آیه 56.

انک لا تهدي من احببت ولكن الله يهدي من يشاء وهو اعلم بالمهتدين

تو نمی توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی؛ ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند؛ و او به هدایت یافتگان آگاهتر است!

هیچوقت با یه دختری که خودشو زده به اون راه بحث نکن... چون فقط احمق ها بحث میکنن.

حرفتو بزن ولی اگه دیدی نمیفهمه بگو خا باشه.

با هیچ دختری بحث نکن...

حرفت رو بگو ولی بحث نکن! مخصوصا با دخترایی که حاضر نیستن با تحقیق به چیزی برسن و دهن بین هستن. ... پس بحث نکن....

حرف تورو فقط کسی میفهمه که حق پذیره....

سوره مبارکه روم آیه 52.

فانک لا تسمع الموتی ولا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرین

تو نمی‌توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه سخت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند!

نمیدونم چرا...

ولی حالا که این فصل فصله آخره انگار خدا داره از درون با من حرف میزنه...

بهم میگه :

رضا؟

ممنونم که این کتاب رو نوشتی...

رضا...

یه کاری کن بنده هام به سمت من بیان ... باورم داشته باشن و دوستم داشته باشن... باهام حرف بزنن... حرکت کنن.. پیشرفت کنن...

اینجوری هواشونو خیلی دارم رضا... رضا من خیلی عاشقم... دوست دارم بندم مال خودم باشه. بخاطر همین گفتم با حجاب باشن...

اگه مشکلی براشون پیش میاد بخاطر همینیه که به سمت من بیان و انتقد درگیر حاشیه نشن...

رضا... این سه جلد کتاب از تو به یادگار میمونه... ولی رضا... هر کسی با خوندنش توفیق تغییر پیدا نمیکنه...

چون :

سوره مبارکه مدثر آیه 56.

وما یذکرون الا ان یشاء الله هو اهل التقوی و اهل المغفره

و هیچ کس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد؛ او اهل تقوا و اهل آمرزش است!

رضا...

تا من نخوام تغییر صورت نمیگیره...

رضا؟

میدونی من کی میخوام؟

زمانی که بدونم بندم لیاقتشو داره...

وقتی که بدونم واقعا منو میخواد... وقتی بدونم اونم مثل من عاشقه.

اینجوری دستشو میگیرم رضا...

رضا...

اگه دختری تا الان نمیدونست ولی با چادر دلبری میکرد من همینجا قول میدم که میبخشمش...

سوره مبارکه کهف آیه 24.

الا ان یشاء الله واذکر ربک اذا نسیت وقل عسی ان یهدین ربی لاقرب من هذا رشدا

هرگاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این

هدایت کند!»

و رضا...

اگه دختری با خوندن این کتاب هم به خودش نیومد دیگه اونو به من واگذار کن.

کاریت نباشه.

همونطور که تورو درست کردم... اونم درستش میکنم...

یکم درد داره... ولی تهش اتفاق خوبی میوفته. من خوب بدم بنده هامو هدایت کنم رضا. تو که خوب میدونی منظورم چیه... مگه نه ؟

سوره مبارکه ضحی آیه 7.

ووجدک ضالا فهدی

و تو را گمشده یافت و هدایت کرد،

ولی خدا... حرفات درست...

اما بعضی از این چادری نماها نه تنها حرف حق تو کلشون نمیره بلکه میان اذیتهم میکنن... میگن کور بشو نبین... آخه چی بگم بهشون ؟

سوره مبارکه زخرف آیه 40.

افانت تسمع الصم او تهدی العمی ومن کان فی ضلال مبین

آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکاری هستند هدایت کنی؟!

خب نه... ولی آخه خدا... دلم براشون میسوزه... دوست دارم اونا هم درست چادر بپوشن تا حضرت زهرا ازشون دلخور نشه...

به نظرت این چادری نماها هدایت میشن ؟

سوره مبارکه قلم آیه 7.

ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين

پروردگارت بهتر از هر کس می داند چه کسی از راه او گمراه شده، و هدایت یافتگان را نیز بهتر می شناسد!

یعنی هدایت میشن ؟ یعنی هدایتشون میکنی ؟

این که خیلی عالیه... خدایا شکرت... مطمئن باشم؟

سوره مبارکه محمد آیه 5.

سیهیدهم ویصلح بالهم

بزودی آنان را هدایت نموده و کارشان را اصلاح می کند؛

ولی خدا...

یکی توی سایت نظر گذاشت دلمو شکوند...

گفت پسرا سست هستن و بیشعور و احمق هستن. به ما پسرا کلی توهین کرد بعدش گفت کور بشین نبینین... شما سست هستین...

من خیلی ناراحت شدم خدا....

سوره مبارکه اعراف آیه 186.

من یضلل الله فلا هادی له ویذرهم فی طغیانهم یعمهون

هر کس را خداوند (به جرم اعمال زشتش) گمراه سازد، هدایت کننده ای ندارد؛ و آنها را در طغیان و سرکشی شان رها می سازد، تا

سرگردان شوند!

خدایا میشه گوششو بییچونی دلم خنک بشه ؛ آخه خیلی ناراحتم کرد... با اینکه چادری بود ولی نیش داشت زبونش...

سوره مبارکه سجده آیه 13.

ولو شئنا لآتینا کل نفس هداها ولكن حق القول منی لاملان جهنم من الجنة والناس اجمعین

و اگر می خواستیم به هر انسانی هدایت لازمش را (از روی اجبار بدهیم) می دادیم؛ ولی (من آنها را آزاد گذارده ام و) سخن و وعده ام حق

است که دوزخ را (از افراد بی ایمان و گنهکار) از جنّ و انس همگی پر کنم!

باشه چشم. به نظرم نباید تو کارت دخالت کنم. ولی به نظرت امیدی هست که این شخص چادری نما برگرده و آدم بشه ؟

سوره مبارکه ملک آیه 22.

افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم

آیا کسی که به رو افتاده حرکت می کند به هدایت نزدیکتر است یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد؟!

خب معلومه...

اونی که راست قامت داره به سمت جلو حرکت میکنه...

سوره مبارکه انعام آیه 117.

ان ربک هو اعلم من یضل عن سبیلہ وهو اعلم بالمہتدین

پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه گشته اند، آگاهتر است؛ و همچنین از کسانی که هدایت یافته اند.

خدایا ؟

یعنی اگه یه دختر چادری نما این کتاب رو بخونه ولی نپذیره و از سر لجبازی ردش کنه...تو حالشو میگیری ؟

سوره مبارکه تغابن آیه 11.

ما اصاب من مصیبۃ الا باذن اللہ ومن یومن باللہ یهد قلبہ واللہ بکل شیء علیم

هیچ مصیبتی رخ نمی دهد مگر به اذن خدا! و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می کند؛ و خدا به هر چیز داناست!

من که از خدومه...

من خیلی دلسوز دخترای چادری هستم.

خانوم خودمم چادریه. دوست دارم چادر مادرم حضرت زهرا رو درست بپوشن...همین...نیت من از نوشتن این کتاب همین بود....

سوره مبارکه اسراء آیه 15.

من اهتدی فانما يهتدى لنفسه ومن ضل فانما يضل عليها ولا تزر وازرةٌ وزر اخرى وما كنا معذبين حتى نبعث رسولا

هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته؛ و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را به

دوش نمی کشد؛ و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند).

آخه خدا...

من همه رو گفتم... ولی همیشه یه عده چادری نما میان چرتو پرت میگویند بهم...

خیلی ناراحت میکنم خدا....

سوره مبارکه نحل آیه 107.

ذلک بانهم استحبوا الحیاء الدنيا علی الآخرة وان الله لا یهدی القوم الکافرین

این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را) بر آخرت ترجیح دادند؛ و خداوند افراد بی ایمان (لجوج) را هدایت نمی کند.

ولی خب...

همه عین هم نیستن.

یه عده دختر چادری نما بودن گفتن داداش رضا با حرفات به خودمون اومدیم...

و دیگه با چادر دلبری نمیکنیم...

سوره مبارکه طه آیه 122.

ثم اجتبه ربه فتاب علیه وهدی

پروردگارش او را برگزید، و توبه اش را پذیرفت، و هدایتش نمود.

خدایا ؟

اگه این دختر توبه کنه واقعا هواشو داری ؟

یعنی اگه قول بده با چادر دلبری نکنه... تو براش چکار میکنی ؟

سوره مبارکه محمد آیه 17.

والذین اهتدوا زادهم هدی و آتاهم تقواهم

کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد!

یعنی میشه عزیز دلت بشه و فقط مال تو بشه ؟ کمکش میکنی به زندگیش امنیت برگرده ؟

سوره مبارکه مریم آیه 76.

ویزید الله الذین اهتدوا هدی والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا وخیر مردا

کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید؛ و آثار شایسته‌ای که (از انسان) باقی می‌ماند، ثوابش در پیشگاه

پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است!

خدایا...

یکی بهم گفت اگه چادری نما نباشم دیده نمیشم که شوهر پیدا کنم... منم بهش گفتم شوهر پیدا کردن دست خداست...

ولی قبول نکرد... میگه خدا گفته خودتو نشون بده شوهر پیدا بشه.

خیلی دختر لجبازی بود.

میخواست با گناه به خواسته هاش برسه.

اون روز هر چی براش توضیح میدادم حرف خودشو میزد... خیلی رو مخم رفت... خیلی...

سوره مبارکه فاطر آیه 8.

افمن زین له سوء عمله فرآه حسنا فان الله یضل من یشاء ویهدی من یشاء فلا تذهب نفسک علیهم حسرات ان الله علیم بما یصنعون

آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را خوب و زیبا می بیند (همانند کسی است که واقع را آنچنان که هست می یابد)؟! خداوند

هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند؛ پس جانت به خاطر شدت تأسف بر آنان از دست نرود؛ خداوند به

آنچه انجام می دهند داناست!

خدایا ...

این چادری نماهایی که دارن آبروی چادر رو میبرن رو چجوری میشه هدایت کرد ؟ من بلد نیستم... تو یادم بده...

سوره مبارکه فرقان آیه 43.

ارایت من اتخذ الله هواء افانت تکون علیه وکیلا

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می توانی او را هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی)؟!

نه واقعا نمیشه...

اگه میشد تا الان که آخر کتابه قطعاً هدایت میشد...

ولی هنوزم گوشش بدهکار نیست و داره بهونه میاره...

سوره مبارکه اعراف آیه 198.

وان تدعوهم الی الهدی لا یسمعوا و تراهم ینظرون الیک وهم لا یبصرون

اگر آنها را به هدایت فرا خوانید، سخنانتان را نمی شنوند! و آنها را می بینی که با چشمهای مصنوعیشان به تو نگاه می کنند، اما در حقیقت

نمی بینند!

چی بگم...

کم دیگه حرفی ندارم...

خدایا...دیگه هرچی بلد بودیم رو گفتیم...

ممنونم که تو این کتاب کمکم کردی...

حرف آخرت چیه خدا؟

سوره مبارکه عنکبوت آیه 69.

والذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا وان الله لمع المحسنین

کسایی در راه ما با خلوص نیت تلاش و جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

ممنونم که هوای من و دخترای چادری رو داری...

خدایا...هوامونو داشته باش...

سوره مبارکه زمر آیه 36.

الیس الله بکاف عبده

آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟!

دمت گرم...

ممنونم که هوامونو داری.

آهای دخترای چادری که با خوندن این کتاب تغییر کردید؟

این یادتون بمونه :

جایی که تو دست نرسه، خدا شاخه رو میاره پایین🌸🌸

الانم که دارم مینویسم بهشت رضا هستم...

میخوام آخر کتاب یه اتمام حجت با شما کنم... چون واقعا از دیدن اینهمه شهید خیلی شرمنده شدم...

اینهمه آدم پاک رفت جون خودش رو داد که ما قدر بدونیم و پیشرفت کنیم و جامعه رو اصلاح کنیم تا ظهور

شکل بگیره.... **شهیدا خیلی تاکید بر حجاب خانوما داشتن...**

ولی یه سوال... این حجابی که با چادر داری...مورد تایید شهدا هستش ؟ هر دختری وجدانش میفهمه این رنگ

روسریش دلبری داره یا نداره... هر دختری خیلی خوب میفهمه حجابش خوبه یا نه...

مگر دختری که بخواد خودشو دور بزنه. ولی در کل براتون خیلی دعا کردم.

الانم پیش شهید محرابی هستم.... ازشون خواستم برای حجاب شما دعا کنن.

چون شهید محرابی تو وصیتش آورده دخترای با حجاب رو شفاعت میکنه...



وصیت نامه شهید حسین محرابی:

خانمی که چادر به سر کند و عفت ورزد و هر جوانی که نماز اول وقت را در حد توان شروع کند... اگر دستم برسد سفارشش را به مولایم امام حسین علیه السلام خواهم کرد و او را دعا میکنم باشد تا مورد رحمت حق تعالی قرار گیرد....

خواهرم ؟ کتاب داره تموم میشه...

فقط یه خواهش... لطفا فقط فکر خودت نباش... هر موقع به جز خودت به فکر یکی دیگه ام بودی و عاقبت به خیریش برات مهم بود اون موقع پیش خدا عزیز میشی... باز میگویم... به این جمله ی آخرم بیشتر فکر کن...

لطفا فقط به فکر خودت نباش... به فکر بقیه هم باش.

اونارو همون خدایی آفریده که تو میپرستیش... لطفا منطقی فکر کن... ما پسرا چشممون خیلی جای حساسیه... ولش کنیم تمام سیستم رو به هم میریزه... واسه شما دخترا هم دیده شدن خیلی چیز حساسیه... ولش کنید همه چیتون رو به هم میریزه... ما پسرا تلاش میکنیم که کنترل کنیم...

لطفا، خواهشا، التماسا، تمنا میکنم شما هم حجاب خودتونو رعایت کنید و جلب توجه نکنید...



مبارزه با نفس ما پسر با بخشیش برمیگرده به کنترل نگاه و برای شما دخترا بخشیش برمیگرده به پوشوندن خودتون... همیشه که من پسر چشمم رو کنترل کنم و از اونور طرف تو طور دلت خواست بیای بیرون...اگه اینطور بود که هر کسی اونطور دلش میخواست بیاد بیرون خب منم باید همینطور به یه نفر همینطور زل میزد و دنبالش میکردم...خخخ.

همیشه که فقط با پسر رعایت کنیم... باور کن سخته کنترل نگاه...همیشه توضیح داد...چون جای ما پسر نیستید... لطفا تورو به مقدساتون درکمون کنید. منم نمیتونم سختی پوشش و حجاب رو درک کنم چون پسر. ولی اینو میفهمم که هر دوی ما برامون سخته...
خب...

پس بهتره این سختی رو هر دو طرف تحمل کنیم ...

اینجوری خیلی اتفاقی خوبی میوفته...

در مورد ست روسری رنگی و کیف و کفش و دستبند و چادر لاکچری خیلی حرف زدم ...

ولی اینا دلیل روانشناسی هم داره...

بین...

مرد ها خود به خود جذب لباس رنگی میشن...اون لحظه دیگه مغز نمیکشه...فقط چشم میچرخه...

من میدونم لباس رنگی قشنگه و خیلی باحاله...

ولی آجی آخه به چه قیمتی؟؟

دیگه نمیدونم چی بگم...

اگه وجدان داشته باشی حرفام یادت نمیره.

ما پسر حقمون نیست این همه فحش بخوریم...

نه... ما حقمون نیست...

به طرف میگیریم رعایت کن اذیت میشیم...میگن مریض و روانی...

بعضی از شما دخترای چادری واقعا وجدان ندارید ! من و همه پسر شمارو به خدا واگذار میکنیم.

امیدوارم خدا جواب دل شکسته مارو از شما بگیره.

البته من همیشه برای شما دعای خیر میکنم...ولی اگه بازم سر حرفت هستی ما پسرا تورو به خدا واگذار میکنیم...

خسته شدیم...خسته....

واقعا گاهی اوقات از شدت وسوسه گریمون میگیره...هعههیییی.

دلم برای پسرای مجرد میسوزه...

اون دنیا ما شمارو حلال نمیکنیم اگه با این کتاب تغییر نکنید.چون باعث شدید به گناه بیوفتیم.

امیدوارم خدا جواب دل شکسته مارو بده.

بازم میگم...

ما شما چادری های لاکچری رو واگذار میکنیم به حضرت زهرا سلام الله علیها.

از همه پسرای دل شکسته میخوام که کینه رو از دلشون پاک کنن و بخاطر امام زمان تحمل کنن. ما هم خدایی داریم.

ای خدای گناهکارا خودت شاهد باش این دخترا اذیتمون میکنن.

خودت ادبشون کن.

اگه کسی با خوندن این کتاب تغییر کرد دستشو بگیر...ولی اگه گوش نکرد و بازم با چادر دلبری کرد خدایا خودت هدایتش کن...

این کتابم تموم شد.

ای شهدا... هر کی دلش به حال ما پسرا سوخت تو دنیا و آخرت هواشو داشته باشین و شفاعتش کنین.

ای شهدای عزیز...وصیت شما دعوت به حجاب بود.

ای شهدای بزرگوار...هر دختری با خوندن این کتاب واقعا محجبه چادری شد به حق پهلوی شکسته حضرت مادر هواشو داشته باش...

اینم بگم چون تو دلم مونده بود...

ای خدا...

هر کسی به ما پسرا گفت مریض ...خودت مریضشو چند برابر کن تا بفهمه ما پسرا دست خودمون نیست و خودت مارو اینجوری آفریدی.

آمین.

اینو گفتم چون واقعا دلم شکست...چون یکی تو سایت گفت شما پسرا مریض هستید...واقعا گریم گرفت...

آخه چرا بعضی دخترا امنیت روانی جامعه رو بهم میریزن...

واقعا عذاب نمیکشین که مردم بهتون نگاه جنسی داشته باشن و تفکراتونو نبینن؟

عذاب نمیکشین وقتی درونتون با تیپی که زدین مخالفه..!

عذاب نمیکشین وقتی یکی پشتتون آه میکشه..!

گناهه.. باور کن گناهه که آینده یکی رو بخاطر تیپی که زدین خراب کنین چون اون دیگه اونقدر روانش بهم میریزه دیگه نمیتونه به درسش به آینده به رسالتش فکر کنه..!

کاش یکم بیشتر از انسانیت میفهمیدیم..

شما چادری ها گناه رو خوب بلدید توجیه کنید.

تو دلت میگی :

خب من هرچقدر هم حجابم با چادر بد باشه بازم از اونی که بی حجاب میگرده که خیلی خیلی بهترم ...

اون هیچ حجابی نداره ولی حداقل من که چادر دارم !

جواب :

نه آجی من...نه...اینجوری فکر نکن.

منطقه خیلی مشکل داره آجی...

میدونی چرا؟ چون تو دیگه آگاه شدی و خوب و بد رو شناختی و سرانجامشو دونستی چیه...

پس تو با اونایی که دارن راهو اشتباه میرن فرق داری و خدا ازت یه توقع دیگه ای داره...

ببین ؟

هیچ وقت گناه جاهل با گناه عالم یکسان نیست...

میگیری چی میگم ؟

گناه خودتو با گناه جاهل مقایسه نکن.

چون تو عالم هستی...

گناه کسی که به چیزی علم داره ولی باز انجام میده با گناه کسی که جاهل هستش یکسان نیست.

اون دختری که بی حجاب میگرده واقعا جاهله و نمیفهمه... ولی تو که میفهمی باید بیشتر عمل کنی !

اگه تو عمل کنی اونی که بی حجاب میگرده هم ازت الگو میگیره !

تا خوبامون خوبتر نشن بدامون بهتر نمیشن !

اگرم فکر می کنی رنگ مشکی افسردگی میاره این یک عذر بد تر از گناهه...

هه...

فاطمه همیشه با تیپ مشکی میاد بیرون... ولی از این دختر شادتر تو عمرم ندیدم.

یه دختر افسرده همیشه افسردست... چون ناشکره... چون تنبله. چون برای هدفاش نجنبیده. ولی دختر شاد حتی

تو مشکی ترین چادر هم شاده.

خواهشا انقدر سطحی نگید.. بگو زورم میاد ست رنگی با چادر نزنم.

نگو مشکی افسردگی میاره. خا اگه اینجوریه کلا چادر نپوش تا افسرده نشی.

اگه مشکی افسردگی میاره یهو بگو حضرت زهرا افسردگی داشت دیگه.

بگذریم... ادامه ندم بهتره...

هیچوقت کثرت دلیلی بر درستی نیست اینکه همه دخترا با چادر ست رنگی میزنن دلیل نمیشه که این درست

باشه ... بی خیال... دیگه حرفامو زدم.



من این کتاب رو از سر دلسوزی نوشتم...

اونی که میخواست بفهمه دیگه فهمید...

باور کن اگه مانتویی بودی اینارو بهت نمیگفتم.

ولی چون چادری هستی مسئولیت بیشتره !

تو باید الگو باشی.

تو به عنوان یه دختر چادری باید :

نمازات اول وقت باشه... کسی یه کار خوب برات کرد تشکر کنی.. لبخند بزنی... آرام باشی و پر تلاش.

حالا که چادری شدی نباید کسیو مسخره کنی... وسط حرف کسی نپری... تو کار کسی فضولی نکنی...

غیبت نکنی...

میدونی ...

تو باید در کنار چادر دوره های 21 الی 40 روزه خودسازی برداری.

دیگه همه روت یه حساب دیگه ای میکنن.

نباید درونت با بیرون ت در تضاد باشه.

نباید تو خلوت گناه کنی...

نباید پر حرفی کنی...

نباید عجب و غرور داشته باشی...

حتما حتما سایتمونو بخون و دوره هارو بردار...

من دوست دارم یه چادری فول آپشن و موفق باشی.

یه چادری نباید زیاد غذا بخوره..چون غذا زیاد خوردن حال عبادت رو از آدم میگیره.

خیلی باید مراقب باشی.

یه چادری باید سحر خیز باشه !

یه چادری باید پنج صبح بیدار بشه و عمرو وقتش رو صرف کار ارزشمند کنه.

یه چادری نباید حرف لغو بزنه.

یه چادری با احمق دوست نمیشه.

من دوست دارم شما یه چادری موفق باشید.

نه یه چادری پژمرده که گوشه خونه افتاده .

من دوست دارم شما یه چادری موفق و سرحال و پر انگیزه باشید که امام زمان به شما افتخار کنه...بتونی خیلی

هارو با خدا آشتی بدی و همه با دیدن تو کوه انگیزه بشن.

یه چادری باید دست چپ امام زمانش باشه...

یه چادری باید کنترل خشم داشته باشه.

یه چادری میدونه شوهر دوستش نامحرمه...

اینه ویژگی های یه دختر چادری...

انصافا اگه چادری هستی ولی اینجوری نیستی..یه جورایی عین زنبوری هستی که عسل نمیده...

عین درخت بی ثمر...

آره...

من دوست دارم چادری فول آپشن باشی...نه یه چادری پژمرده و افسرده...

چه تضاد زشتی هستش که باطنت شبیه ظاهرت نباشه...

اگه ظاهرت مذهبییه و همه بهت احترام میذارن و میگن التماس دعا...ولی تو خلوت هات هزار تا کار میکنی...این خیلی زشته.

قبول داری خیلی زشته یه چادری تو محیط مجازی هرکلیپی رو ببینه و با هرکسی چت کنه ؟

قبول داری یه چادری نباید هرکسی رو لایک کنه ؟

قبول داری یه چادری نباید با کلیپ هر پسری بخنده ؟

قبول داری چادر بدون حیا ارزشی نداره ؟

قبول داری ؟

قبول داری یه دختر چادری دنبال پسر خوشگلا تو اینستا نیست ؟

قبول داری کنترل چشم فقط برای پسرا نیست و دخترا هم باید کنترل نگاه داشته باشن ؟

بگذریم...

اذان داره میگه... میخوام برم نماز...

آبحی...یه خواهش...

تبلیغ حجابم صرفا با عکس نیست ... شما میتونید با انتشار احادیث آیات قران فلسفه حجاب و ...حجابو تبلیغ

کنید. دختری که با عکس باحجاب بشه برا چادرش دلیل عقلانی نداره ...

صرفا برا خوشگلی سرش میکنه ... و چون هدفش خوشنودی خدا نیست و هدفش خوشگل شدن...اگه با چادر به زیبایی که تو ذهنشه مثل همون عکسی که دیده نرسه میذارش کنار...

یا میره با چادر رژ لب میزنه... هه... بیخیال... من دیگه برم نماز...

خیلی ممنون که این کتاب رو تا آخر خوندی... من تو این کتاب مخالف روسری رنگی نبودم...

میتونی روسری رنگی سرت کنی ...ولی فقط رنگی باشه که توجه جلب نکنه و جیغ نباشه.

همین... مراقب خودت باش خواهرم.

دوست دار تموم دخترای خوب محجبه و چادری :

شهید آینده داداش رضا



فصل آخر: راستی آجی...

راستی

راستی

راستی

راستی...

تا یادم نرفته اینم بگم !

خخخ

هی میخوام برم انگاری قسمت نیست....

ببین ؟

تو مهمونی هم میتونید مانتو بپوشید اما مانتو رنگش جیغ نباشه و کاملاً گشاد باشه...

هر چند...

میتونی چادر رنگی بگیری...ولی رنگش جیغ نباشه...عادی و معمولی متمایل به تیره باشه...

اینجوری بهتره.

ولی در کل نامحرم نامحرمه.

مهمونی یا بیرون نداره.

نامحرم نامحرمه.

ولی خود فاطمه هم مهمون میاد مانتو گشاد میپوشه. مانتویی که حقیقتاً سه نفر توش جا میشن خخخ.

در ضمن...

من درمورد تلق زدن ترجیه میدم چیزی نگم... چون بعضی روسری ها انگاری تلق نذاری بد وایمیسته...
ولی اگه چادرت صدفی یا بیروتی باشه تلق نیازی نیست... بیشتر چادر جده و قاجار بخاطر روسری تلق میخواد.
بگذریم.

خواستم اینم بگم.

راستی ؟

مهمون میاد جوراب رنگی پات نکن !

تو مهمونی اگه میخواید با مانتو باشید مثل فاطمه مانتو بلند تا مچ پا بگیرید و با روسری قواره بلند تیره...
آبجی های عزیزم...

اینا رو برای این بهتون میگم که دوست دارم بهترین نسخه خودتون باشید...

وگرنه باور کن اصلا برام مهم نبود که بخوام اینا رو بهتون بگم...

ولی نیت من فقط همین بود که دوست دارم تو فقط برای خدا جذاب و خوشگل و زیبا بشی...

باور کن آدم فقط با خدا میتونه به آرامش برسه...

یه دختر هر چقدر با خودش در صلح قرار میگیره بیشتر به خدا نزدیک میشه و از اون طرف به حجابشم محکم تر
و سفت تر میشه...

دختری که با خودش در صلح باشه و خدا رو پیدا کرده باشه انقدر با خدای خودش عشق بازی می کنه که دیگه
بدش میاد کسی جز خدا اونو ببینه ... چون اینو میفهمه که همه چیز دست خداست و فقط دوست داره خدا رو
بندگی کنه...

خواهشا این حرفایی که تو این کتاب بهت زدم رو سعی نکن برای کسی خیلی توضیح بدی.

چون تو فقط میتونی حرفت رو به گوش دختری برسونی که گوش شنوا داره و قلبش سالمه...

وگرنه اگه یه دختری گناه زیاد کرده باشه تو نمیتونی قانعش کنی... چون دیوار حاشا بلنده....

حرفای من رو دختری میفهمه که دیوونه و روانی خداست و دنبال نگاه و لایکی جز نگاه و لایک خدا نیست...

وگرنه دختر چادری که رابطش با خدا اوکی نباشه اصلا نمیتونه حرفامو بفهمه...اصلا...

چون دلبر خدا نشده که بفهمه چه حالی میده با خدا بودن...

ولی یه چیزی میگم یادت نره...

زندگی تو دنیا بیشتر از اون چیزی که فکرشو بکنی چرتو پرته...

ببین ؟

زندگی همش یه بازیه....

حالا میخوای زندگی رو خوب بازی کنی ؟

اگه میخوای خوب بازی کنی برو سمت خدا...

هیچ چیزی واقعی نیست ...جز خودت و خدا...

همه چیز دروغ و بازیه...

تنها حقیقت زندگی خودت و خدا هستی...

ای خدا ممنونم که هوامونو داری ...

جانم به فدات عشق ناز من ...

چقدر به پام موندی ...

چقدر کنارم بودی چقدر در عمل ثابت کردی دوستم داری ...

ای خدا واقعا مهربونی...

من به حرف گوش میدم عشق من....

ای خدا تو خیلی بامرامی...

میتونستی منو بزنی ولی نزدی...

به من فرصت دادی...

ای خدا فکر نکن من نفهمیدم...

من فهمیدم ...

خدایا...

من خیلی خر بازی در آوردم...

منو ببخش ...

کمکم کن جبران کنم...

خدایا به عزتت قسم جبران می کنم....

الحق که کریمی...

با اینکه میدونستی امانزدی ...

ای کریم....

به کرمات قسم نمیخواهم اون دنیا سرم پایین باشه...

پس تا پاکم نکردی خاکم نکن....

ای خدا...

منو ببخش که اسم عشق رو خراب کردم...

واقعا پشیمونم ...

ببخشید ...

من به اشتباه خودم پی بردم ...

عشق من تویی...

خدایا یک سوال...

چه جوری بگم غلط کردم تا تو منو ببخشی...

اگر هم منو ببخشی من خودم رو نمیبخشم...

ای خدا...

یه چیزی ازت بخوام بهم میدی ؟

من ازت می خوام کمکم کنی جبران کنم...

اون دنیا خیلی نارامت میشم آکه منو با این همه گناه ببری ...

خدایا ...

تو با من مهربون بودی...

پس کمکم کن جبران کنم...

خدایا تو دنیا رو جذاب آفریدی که گول زننده باشه و پر از غفلت...

یه جورایی میخواستی یه فیلتر بذاری تا هر کسی ادعا نکنه عاشقته ...

خدایا ...

ممنونم که بیدارم کردی ...

خدایا کمکم کن مال خودت باشم ...

خدایا آدمای خوب رو وارد زندگیم کن...

کمکم کن با دوستای واقعیت تو این دنیا انس بگیرم....

خدایا من حجاب رو رعایت می کنم همون جوری که تو میخوای و همونجوری که داداش رضا تو کتابش گفت ...

خدایا کمکم کن جوری باشم که دوستم داشته باشی...

کمکم کن دستی از دستان مهربانت باشم...

کمکم کن کاملاً تو کارهام اخلاص باشه و فقط دنبال رضایت خودت باشم و بندگی خودت رو بکنم...

خدایا می خوام از این به بعد فقط تو رو ببینم و ثانیه‌ای ازت غافل نشم...

کمکم کن... کمکم کن فقط دنبال خوشنودی خودت باشم...

نذار گول این دنیا رو بخورم ...می خوام فقط تو رو ببینم ...

خدایا...

دوست دارم فقط نظر تو برام مهم باشه نه بقیه ... نه هیچکس ... نه حتی خودم....

خواهرای عزیزم...

خدا بخواد بهت حال بده یه حالی میده که هیچ حالی در مقابلش حال نباشه....

پس فقط بندگی خدارو کن.

اگه زندگیت بشه خدا به جان خودم دیگه هیچی برات مهم نیست ...فقط دوست داری خدا رو ببینی و با خدا زندگی کنی....

هر چقدر که به خودت نزدیک تر بشی و با خودت رفیق باشی... کم کم احساس بودن یک خالق رو قشنگ با تموم وجودت احساس میکنی....

آبجی همه چی دست خداست...

هرچقدرم برای چیزی زور بزنی ...بازم چیزی بهت میرسه که خدا برات میخواد..

اگر هم بیشتر از حدی که خدا برات خواسته روزی بهت برسه ...یه جوری از گفت میره... میدونی چیه آبجی...

من خیلی چیزارو بهش رسیدم اما نمیتونم به کسی بگم.

چون یه حسی بهم میگه اینا رازه نباید به کسی بگی....

ولی خلاصه بهت بگم.

خدا بیشتر از اون چیزی که فکرشو میکنی عادله....

خیلی جهان نظم داره...

خیلی همه چی سر جاشه...

این روزا جبر و اختیار رو با تموم سلول هام درکش کردم و متوجه شدم .

فهمیدم چی باعث تعیین مقدرات میشه. یه جورایی هر روز دارم خدارو بهتر از دیروز میشناسم.

چیزایی رو درمورد خدا دارم درک میکنم که تو هیچ کتابی پیدا نمیشه.

من خیلی کنجکاو و حریصم.

ولی کنجکاویم تو مسائل دینی هستش...

نمیرم دنبال مسائل شخصی مردم.

به من چه اصلاً. مگه فضولم؟

ولی تا دلت بخواد تو مسائل دینی کنجکاوی دارم...

خیلی چیزا هست که با تموم وجودم درک کردم...

به وقتش اگه قسمت شد براتون تو کتابای دیگم میگم...

فقط اینو بدون که سلولی تکون نمیخوره... مگر به اذن خدا.

لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم...

اینو صد بار بگو...

بعدش حس پرواز بهت دست میده...

واقعا همه چی دست خداست...

اینو بفهمی بعدش دوست داری فقط خدا رو بندگی کنی...

خدا پای منه رضا خیلی موند...

اگر من این کتاب رو نوشتم یه جوری میخواستم گذشتمو جبران کنم...

چه ساعت هایی رو که حریص وارانه صرف چیزی کردم که گناه بود...

ببین خدا چه جوری منو برگردوند به مسیر درست

هر چقدر که میگذره بیشتر میفهمم که هیچ چیزی جز خدا مهم نیست....

حتی یک اپسیلون هم چیزی غیر از خدا مهم نیست

همه چی خداست و همه چیز دست خداست... زندگی تو دنیا خیلی غافل کنندست...

ولی خدا بهم گفت رضا هواتو دارم اگه همه کارات برای منه خدا باشه

آره...

من دیگه گول این دنیا رو نمیخورم ...

همه این دنیا دروغه

خدا بهم گفت از بالا ببینم ...

من خدا رو دیدم ...

خدا همه چی رو کنار هم چیند که پیام سمتش...

هیچ چیزی جز عشق به خدا حقیقت نداره...

دیگه برام هیچ چیزی جز خدا اولویت اول نیست....

ای دنیای دروغ...ای خواب غفلت.

من دیگه بیدار شدن.

دیگه گولتو نمیخورم.

همه چیز تو این دنیا فریبندست تا این حقیقت رو نفهمی که خدا همه عشقته....

خواهرای عزیزم ...

من تو این کتاب خیلی شما رو دعوت به حجاب کردم ...

ولی بدون که داداش رضا اصلاً قصد نصیحت شما رو نداشت.... من فقط خواستم خدا و حضرت زهرا رو خوشحال کنم...

همین...

هر کی عکس بچگی هاش رو میبینی یاد پاکی کودکیش میوفته ولی من دقیقا برعکسم...

راستشو بخوای هیچ حسی به عکس بچگی هام ندارم و یه جورایی حالم از عکس بچگی هام بهم میخوره ...

ولی به جاش این رضایی که الان هستم رو خیلی خیلی بیشتر دوست دارم..

میدونی چرا ؟ چون این رضا خیلی با خدا دوسته...

من امروز یه عهدهی بستم که توحید عملیم رو خیلی خیلی بالا ببرم.

همینجوریشم انصافا توحید عملیم خیلی خوبه. چون اصلا هیچی جز خدا برام ذره ای مهم نیست.

همیشه میگم خدا همه کارست و من کارم فقط برای خداست.

بخاطر همینم خیلی نترس و شجاعم...

ولی میدونی...

میخوام بازم توحید عملیم بیشتر بشه.

کمترین غصه رو تو زندگی من میخورم. چون پشتم گرمه. چون خدا رو دارم. یه خدای بزرگ که تضمین کرده همه جوهره هوامو داره...

تو زندگی من هیچ کسی جز خدا اهمیت نداره.

همه چی تو این دنیا دروغه.

تنها حقیقت جهان خداست.

دنیا پسته.

همه چیش بازیه.

خدا دنیارو آفرید تا ببینه رضا چقدر پاش وایمیسته و تو ذهنش فقط به خدا قدرت میده.

هر کی از غیر خدا بترسه و حساب ببره و براش مهم باشه ... امتحان دنیارو باخته.

ولی کسی که همه چیش بشه خدا این امتحان دنیارو برده.

ببین؟

نامرد تر از دنیا خودشه.

آبجی...

هیچوقت نذار صدای آدما صدای خدای درونتو خفه کنه...

سخت ترین قدم قدم اوله... حرکت کن...

برو خدا رو در طول مسیر میبینی...

رو هیچ قدرتی جز قدرت خدا اندازه نوک سوزن حساب نکن.

هر کی برات عرض اندام کرد تو دلت بهش بگو : بیشین بینیم بابا...

همه اتفاقات دست خداست.

بین ؟

یه وقت گول نخوری آدما کاره ای هستن !

نه...

آدما هیچ قدرتی ندارن..

گول چرتو پرت گفتن های آدما رو نخور...

ما تیر رو پرت میکنیم...

ولی اونی که به هدف میزنه خداست.

فقط روی خدا حساب کن.

قدرت دست خداست...

از هیچ کس نترس .

قدرت فقط دست خداست.

همه چی دست خداست.

فقط برای خدا کار کن.

فقط و فقط و فقط هم از گناهات بترس...

اگه از آدما و شرشون میترسی بخاطر اینه که ایمانت ضعیفه.

چون شرک میورزی.

باور نداری عزت و ذلت دست خداست.

ببین ؟

بازم میگم...

از هیچکس و هیچ چیز و هیچ انسانی نترس...

همه قدرت ها دروغه.

باور کن دروغه.

من دیگه بهم ثابت شده دروغه.

همه کاره خداست.

عزت و ذلت دست خداست.

وقتی همه کاره خداست تازه اخلاص میاد.

دیگه همه کارت میشه خدا.

فقط و فقط زوم میشی روی خدا....

ببین ؟

یه خدا پرست واقعی باورش اینه که کسی نمیتونه عزت یا ذلت یا آبرو یا فلان بده...

کسی کاره ای نیست... بخاطر همین فقط برای خدا کار میکنه....

چون همه کار خداست....

آره...

برندگی رو خدا به کارد میده که نداشت سر حضرت اسماعیل علیه السلام بریده بشه... سوزندگی رو خدا به آتیش میده که نداشت تن

حضرت ابراهیم علیه السلام سوخته بشه.

آره... همه چی دست خداست. همه چی...

لا اله الا الله...

بذار به زبون خودم بگم...

طرف حساب تو فقط خداست.

پس روی هیچکس نه حساب کن و نه به حرفای مفتشون توجه کن.

فقط به خدا جواب پس بده.

تها کسی که خیلی مهمه نظرش درموردت چیه خداست.

بقیه اصلا مهم نیست.

اصلا !

به خدایی توجه کن که خیلی کریمه... خیلی رحیمه... شش دانگ هواتو داشته.

اگه خدا هواتو نمیداشت کلی بلا سرت میومد.

اگه همه بخوان بلا سرت بیاد ولی خدا نخواد... هیچ اتفاقی برات نمیوفته.

آدما عروسک کوچولوهای اسباب بازی خدان.

فقط روی خدا حساب کن.

فقط و فقط روی خدا حساب کن.

از هیچ چیزی جز **گناه** نترس.

میبینی چقدر با خدا بودن خوبه ؟

قویت میکنه.

اینه خوبی بندگی خدارو کردن.

هرکی خدارو بندگی کنه بعدش تبدیل به یه غولی میشه که خیلی پر قدرته.

ولی هر کی خدارو بندگی نکنه یه ترسوی بد بختی میشه که همش میترسه یه اتفاق بد براش بیوفته.

آره... اینه فرق بین با خدا بودن و بی خدا بودن.

به هیچکس جز خدا توی ذهنت قدرت نده. اگه بدی یعنی بنده اونی نه بنده خدا.

بنده خدا ویژگی اصلیش حساب نبردنش از غیر خداست.

همه چی دست خداست پس همه چیو فقط و فقط از خدا بخواه .

ببین ؟

هیچکس هیچ غلطی نمیتونه بکنه... اگه خدا پشتت باشه و سیمت وصل باشه.

باور کن این آدمایی که من دیدم مورچه هم نیستن. توهم برشون داشته فقط. نمیدونن همه کاره خداست.

هرگز رو کسی جز خدا حساب نکن.

توکل یعنی من میرم خدا از پشت هوامو داره...

تموم خیر دست خداست.... همه کاره خداست. همه کاره ! میدونی زیرک ترین دختر روی کره زمین کیه ؟

زیرک ترین دختر کسی هستش که راه امام خمینی و شهدا رو ادامه میده....

یعنی در حد توان خودش تلاش می کنه ...

زیرک به دختری میگن که این انقلاب رو به دست امام زمان میخواد برسونه.

زیرک به دختری میگن که نمیداره خون شهدا پایمال بشه....

زیرک به دختری میگن که راه شاد زیستن رو پیدا کرده...

فهمیده که اگه گناه نکنی و به خدا کانکت بشی بعدش درونت نشاط داره...

حرفام دیگه واقعا تموم شد... ولی ما خیلی کار داریم... خیلی... هنوز اول راه هستیم...

باید تا میتونیم تلاش کنیم تا خودمونو به خدا نزدیک تر کنیم ...

امیدوارم تو حجابت ثابت قدم باشی آبجی... فرصت کمه... باید تا زنده ایم به حقیقت زندگی برسیم.

با قلب سلیم بمیر...

نه با قلب پر از شک و شبهه... دیدار با خدارو واگذار نکن به اون دنیا... تو همین دنیارو خدارو ببین...

اگرم خیلی بی حجابیت پشیمونی و میخوای گذشتتو جبران کنی من یه راه حلی برات دارم....

ببین ؟

کاری که میگم رو بکن... برو به یه نفر آگاهی بده تا گذشته تورو تکرار نکنه...

اگه بتونی یه نفر رو برگردونی... تموم گذشتت جبران میشه ... تو این کارو بکن... با بقیه چیزا کاری نداشته باش...

گذشتن از وادی حق الناس با خدا... خودش کمکت میکنه . خدا اگه بخواد دل همه رو ازت راضی میکنه.

خدا اگه بخواد کاری میکنه دعاهات در حق اونا مستجاب بشه تا اون دنیا تورو حلال کنن و بگن بخاطر دعای خیر

تو این اتفاق زیبا تو زندگیم افتاد... پس حلالیت میکنم. آره... هر کی با خدا باشه ... خدا همه جوهره کمکش میکنه...

شک نکن ! من برم دیگه..

خدا نگهدار ریحانه خدا...

شما دختر ها شگفتی جهان خلقتید....

یا حضرت زینب...

اون دنیا دستمو بگیر... بدون که رضا تلاششو کرد.. پس منو شفاعت کن...

آمین...

مدافع چادر حضرت زینب سلام الله علیها : داداش رضا

